



امرالله صالح:

تشکیل پولیس کابل دوبرابر می شود

اطلاعات روز: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری می گوید که قرار است تشکیل پولیس کابل براساس طرح جلسات شش و نیم...

صفحه ۲

کمیسیون حقوق بشر:

افزایش حملات هدفمند بر خبرنگاران، سبب افزایش خودسانسوری شده است

صفحه ۲

رهنمودهای وزارت داخله

برای شهروندان نگران | طنز



صفحه ۳

حسن نصرالله:

موشک‌های نقطه‌زن خود را ظرف یک سال دوبرابر کردیم

صفحه ۶

یادداشت روز

مشکل اصلی پولیس: آشفته‌گی مدیریتی

این روزها تقریباً بدون استثنا کابل شاهد یک یا چند انفجار در یک روز است. انفجار ماین‌های مقناطیسی و ترورهای هدفمند در پایتخت افزایش چشمگیر داشته است. وضعیتی که از یک طرف امنیت روانی شهروندان را برهم زده و از طرف دیگر، به‌طور بی‌پیشنه‌ای توانایی نیروهای پولیس را به چالش کشیده و انتقادهای زیادی را از کار نیروهای امنیتی و ناکامی حکومت به بار آورده است. واقعیت انکارناپذیر همین است که پولیس عملاً در مهار ناامنی‌های اخیر و قتل‌های هدفمند ناکام مانده است. با اعتراف تلویحی به همین ناکامی‌ها حکومت در چارچوب طرح میثاق امنیتی تصمیم گرفته است شمار نیروهای پولیس را دوبرابر کند. این رویکرد نوعی واکنش به فشار افکار عمومی و از سر ناگزیری است.

تصمیم دوبرابرکردن نیروهای پولیس در کابل در درازمدت اقدام مناسب است، اما ریشه‌ی اصلی ناتوانی نیروهای امنیتی و ناکامی حکومت در تأمین امنیت کابل کمبود پولیس نه، بلکه مدیریت نادرست آن است. سهل‌نگاری، فساد و رخنه‌ی شبکه‌های خرابکار در سیستم پولیس از عوامل اصلی این ناکامی است...

۲



سه عضو مجلس سنا به اتهام اخذ رشوه در بلخ بازداشت شدند

صفحه ۲

کرونا در افغانستان؛
شناسایی ۱۴۰
مریض جدید
و فوت نه نفر در
شبانروز گذشته



صفحه ۲

انفجار در یک معدن زغال سنگ در بغلان؛ چهار کارگر کشته شدند

اطلاعات روز: مسئولان محلی در ولایت بغلان تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی انفجار در یک معدن زغال سنگ در ولسوالی تاله‌ورفک این ولایت...

صفحه ۲

حمله بر
کارمندان اداری
احصایه و معلومات؛
یک نفر کشته و
۱۳ نفر زخمی شدند



صفحه ۲

تحلیل

افغانستان و دوراهی انتخاب: دوام نظام ریاستی یا روی آوردن به نظام پارلمانی؟

دولت افغانستان به‌زودی در قطر آغاز می‌شود و یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این دور مذاکرات نوع نظام آینده خواهد بود. جنگ افغانستان ریشه‌ها و عوامل گوناگونی دارد و با توجه به ابعاد پیچیده‌ی آن نمی‌توان به آمدن یک صلح پایدار خیلی خوش‌بین بود. | صفحه ۴

نزدیک به دو دهه پس از کنفرانس بن، افغانستان در یک نقطه عطف و تاریخی قرار گرفته است و بار دیگر فرصت مناسبی فراهم شده تا زمامداران کشور با بررسی اشتباهات گذشته این بار نقشه‌ی راه آینده را آگاهانه ترسیم کنند. دور دوم گفت‌وگوهای صلح بین نمایندگان طالبان و

گزارش



درس‌هایی از روند صلح کامبوج

روند صلح کامبوج که با میانجی‌گری سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ به امضای توافق‌نامه‌ی صلح پاریس منجر شد، به‌طور موثر به ۱۴ سال درگیری مسلحانه بین کامبوج و ویتنام پایان داد و زمینه را برای تعیین سرنوشت مردم از طریق اولین انتخابات در سال ۱۹۹۳ فراهم کرد. در دسامبر ۲۰۱۶ انستیتوت صلح ایالات | صفحه ۴

تحلیل

هجوم اتحاد جماهیر شوروی و رویایی که هرگز تعبیر نشد

در ششم جدی ۱۳۵۸، اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان حمله کرد. افغانستان برای مدت ده سال تحت اشغال نظامی ارتش سرخ بود و پس از ده سال، اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان عقب‌نشینی کرد. پیامد این تجاوز، کشته‌شدن و زخمی‌شدن میلیون‌ها شهروند افغانستان بود؛ همانطور که پس از خروج نیروهای شوروی نیز افغانستان به پرتگاه جنگ‌های داخلی رفت و کابل، به ویرانه‌ای بازمانده از جنگ تبدیل شد. رهبران اتحاد جماهیر شوروی، اهداف مختلفی را برای حمله به افغانستان در نظر گرفته بودند که البته به آن‌ها دست نیافتند. در این نوشته تلاش شده است تا اهداف اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان تبیین شده و میزان موفقیت شوروی در دسترسی به این اهداف بررسی شود. مدعای نویسنده این است که با توجه به شواهد موجود، میزان موفقیت شوروی در پایین‌ترین حد ممکن بوده و حمله به افغانستان...

۳

جرایم جنایی، سرقت‌های مسلحانه، اختطاف، قتل‌های هدفمند و دیگر چالش‌های امنیتی ریشه در سیستم دارد. شبکه‌های مخّل امنیت از حوزه‌های پولیس در محلات پایتخت تا عالی‌ترین بخش‌های وزارت داخله و دیگر نهادهای امنیتی، ریشه دوانده و نفوذ و دسترسی دارد. فساد در وزارت داخله نیز آفت فراگیر است. تا زمانی که به این مشکلات رسیدگی نشود دوبرابرکردن نیروهای پولیس نیز نمی‌تواند دردی ناامنی را دوا کند. بارها پولیس به‌دلیل فشار افکار عمومی و افزایش روزافزون ناامنی‌ها دچار آشفنگی سرسام‌آور شده است. همین مشکل باعث شده است که حکومت به کارهای نمادین اقدام کند و در صدد پاسخ آنی به فشار افکار عمومی باشد. تا کنون کارشیوه، تدبیر و برنامه‌ای که برای تأمین امنیت روی دست گرفته شده، معطوف به اصلاح سیستم نبوده است.

هر کارشیوه‌ای که برای مبارزه با ناامنی و مهار جرایم در پایتخت و دیگر کلان‌شهرهای درگیر با این چالش در نظر گرفته می‌شود، باید معطوف به اصلاح سیستم و اقدامات بنیادین باشد. برنامه‌ی میثاق امنیتی، طرح برکناری آمران حوزه‌های پولیس در صورت وقوع جرایم سازمان‌یافته در محل مأموریت‌شان اقداماتی بوده است که حکومت قبل از این برای مهار جرایم و ناامنی روی دست گرفته، اما در عمل موفق نشده و کمکی به بهبود اوضاع نکرده است. اجرایی‌کردن طرح افزایش پولیس در چارچوب میثاق امنیتی کار دشوار و زمان‌بر است. این طرح نه به این زودی قابل اجرا است و نه بدون اصلاحات در مدیریت پولیس کارآمد است. امرالله صالح، معاون اول رییس‌جمهور که مسئولیت تأمین امنیت کابل را دارد، خودش بیش از هرکسی دیگری از آشفنگی مدیریتی در ساختار پولیس آگاه است. با التفات به همین آگاهی باید هر برنامه‌ای که برای مبارزه با ناامنی در نظر گرفته می‌شود، باید معطوف به اصلاح سیستم و با چشم‌انداز روشن باشد.

بخشی از وضعیت امروز کابل نتیجه‌ی تغییر در میدان جنگ است. معمولاً راهبرد طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در زمستان کشاندن جنگ به داخل شهرها است. زیرا جنگ در سایر نقاط افغانستان به‌دلیل سردی هوا برای گروه‌های تروریستی ممکن نیست. قبلاً هم این هشدار به حکومت افغانستان داده شده که پیش از این که انفجارهای سازمان‌یافته و ناامنی زندگی را در کلان‌شهرها فلج کند، حکومت باید برای آن طرح داشته باشد. فصل جدیدی از خشونت و کشتارهای هدفمند خبرنگاران، فعالان اجتماعی، مدنی و استیلای ناامیدی بر زندگی مردم در کابل نشان می‌دهد که حکومت این هشدارها را نادیده گرفته بوده است.

کرونا در افغانستان؛ شناسایی ۱۴۰ مریض جدید و فوت نه نفر در شبانه‌روز گذشته

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۶۹۹ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۱۴۰ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است.

این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، تخار، پکتیا، دایکندی، غزنی، میدان‌وردک، هلمند، لغمان، کاپیسا، کنر، فراه، ارزگان و فاریاب به ثبت رسیده است. با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۲ هزار و ۱۴۷ نفر رسیده است.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته نه مورد مرگ ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است.

این تعداد افراد در ولایت‌های کابل، هرات، ننگرهار، تخار و جوزجان به دلیل ابتلا به کووید۱۹ جان باخته‌اند.

شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۱۷۹ نفر افزایش یافته است.

همچنان، در یک شبانه‌روز گذشته ۲۷۹ مریض کووید۱۹ در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، بلخ، ننگرهار، هلمند و لغمان بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۱ هزار و ۶۱۰ نفر افزایش یافته است.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت بلخ می‌گویند که سه عضو مجلس سنای کشور به اتهام اخذ رشوه به‌صورت «بالفعل» بازداشت شده‌اند.

فرهاد عظیمی، والی بلخ که دیروز (دوشنبه، ۸ جدی) در یک نشست خبری در شهر مزارشریف، مرکز این ولایت صحبت می‌کرد، گفت که این سه نفر از اعضای مجلس سنا با «تفاهم مرکز» بازداشت شده‌اند.

او گفت که بازداشت‌شدگان اعضای هیأتی بودند که برای بررسی ادارات عوایدی به بلخ آمده بود. آقای عظیمی تأکید کرد که این افراد با او نیز دیداری داشته‌اند.

والی بلخ از این افراد نامی نبرد، اما گفت که سناتوران بازداشت‌شده به کابل منتقل شده‌اند.

در همین حال دادستانی کل و ریاست عمومی امنیت ملی در یک اعلامیه‌ی مشترک گفته که این سه عضو مجلس سنا

سه عضو مجلس سنا به اتهام اخذ رشوه در بلخ بازداشت شدند

به اتهام اخذ چهل‌هزار دالر امریکایی رشوه، بازداشت شده‌اند.

در اعلامیه آمده است که این افراد دو روز پیش (یک‌شنبه، ۷ جدی) بازداشت شده‌اند. دادستانی کل و ریاست عمومی امنیت ملی همچنان گفته که اطلاع بازداشت آنان را کتبا به استحضار مجلس سنا رسانده‌اند.

مجلس سنا اما تاکنون در این مورد واکنش نشان نداده است.

حمله بر کارمندان اداری احصائیه و معلومات؛ یک نفر کشته و ۱۳ نفر زخمی شدند

هدف قرار گرفته شده است.

او افزود که شش زخمی این رویداد کارمندان اداری احصائیه و معلومات اند.

اما فردوس فرامرز گفت که تاکنون مشخص نشده است که هدف انفجار موتر حامل کارمندان اداری احصائیه و معلومات بوده است و یا خیر. او تأکید کرد که تعدادی از کارمندان این اداره سوار بر یک موتر کاستر بوده و حین عبور این موتر از ساحه‌ی گذرگاه، انفجار به‌وقوع پیوسته است.

هنوز مسئولیت این انفجار را شخص و یا گروهی به عهده نگرفته است.

ام‌الله صالح:

تشکیل پولیس کابل دوبرابر می‌شود

محاکم/دادگاه‌ها نمی‌توانند مجرم را چنانچه لازم است در دایره‌ی عدالت قرار بدهند، گسستگی در کار کشف و تحقیق است.» آقای صالح گفته است که به‌خاطر رفع این نقیصه روش تشریح جرم و تحریک دوسیه را به زبان ساده درآورده و مانند کتابچه‌های جیبی به پولیس کابل توزیع کرده‌اند. او افزوده است که الی رسیدن به مرحله‌ی آرمانی، پاسگاه‌های کوهی در کابل را ارتش در اختیار می‌گیرد و مسئولیت تمام پاسگاه‌های مؤسسات و بخشی از وزارت

صالح نوشته است که افزایش در تشکیلات پولیس کابل با حوصله و دقت انجام می‌شود. به گفته‌ی او، از ورود افرادی که شرایط و معیارهای لازم را نداشته باشند، جلوگیری می‌شود.

او تأکید کرده است که به‌خاطر جذب پولیس معیار تعیین می‌شود و یکی از معیارها، داشتن دانش ابتدایی از کشف و تحقیق خواهد بود.

معاون اول ریاست‌جمهوری توضیح داده است: «گاهی که سارنوالی/دادستانی یا

انفجار در یک معدن زغال سنگ در بغلان؛ چهار کارگر کشته شدند

به گفته‌ی آقای برفکی، افرادی برای بیرون‌کشیدن اجساد قربانیان به محل حادثه اعزام شده‌اند.

او افزود که تراکم بیش از حد گاز میتان در این معدن زغال سنگ، سبب انفجار شده است. از سویی هم، ولسوال تاله‌وبرفک تأکید کرد که منطقه‌ی برفک در کنترل جنگ‌جویان گروه طالبان است و به همین خاطر زغال سنگ در این منطقه، به‌گونه‌ی خودسر و غیرحرفوی استخراج می‌شود.

کمیسون حقوق بشر:

افزایش حملات هدفمند بر خبرنگاران، سبب افزایش خودسانسوری شده است



در اعلامیه‌ی کمیسیون حقوق بشر در مورد لغو پست سخن‌گویی والیان نیز اشاره شده و آمده است که این امر نگرانی‌هایی را مبنی بر مختل‌شدن روند گردش آزاد اطلاعات در میان خبرنگاران به دنبال داشته است.

این کمیسیون گفته است که بیشتر خبرنگاران در ولایات از چالش دسترسی به اطلاعات و معلومات اساسی شکایت دارند. به گفته‌ی کمیسیون، این خبرنگاران از دولت می‌خواهند که به‌منظور تأمین حق آزادی بیان و رسانه‌ها و رعایت حق مردم در دسترسی به اطلاعات، در مورد لغو پست سخنگویی ولایات تجدید نظر کند.

کمیسیون حقوق بشر در این اعلامیه چند خواست مشخص خبرنگاران را مطرح کرده است. براساس آنچه که در این اعلامیه آمده، خبرنگاران از جامعه جهانی خواسته‌اند که بر طرف‌های درگیر در افغانستان فشار وارد

اطلاعات روز: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که ترورهای هدفمند خبرنگاران در چند ماه گذشته، بر روند کار اطلاع‌رسانی در سرتاسر این کشور تأثیر منفی گذاشته و افزایش این گونه حملات سبب افزایش خودسانسوری در جامعه‌ی رسانه‌ای نیز شده است. در اعلامیه‌ی کمیسیون حقوق بشر که دیروز (دوشنبه، ۸ جدی) منتشر شده، به نقل از مسئولان رسانه‌ها آمده است که شماری از زنان خبرنگار در ولایات کارشان را ترک کرده و دسترسی خبرنگاران حتا به ولسوالی‌های نزدیک به مراکز ولایات نیز دشوار شده است.

در اعلامیه همچنان گفته شده است که خبرنگاران در شماری از شهرها نمی‌توانند به سادگی گشت‌وگذار کنند. براساس آنچه که در اعلامیه آمده است، شماری از خبرنگاران و نهادهای رسانه‌ای در ولایات با تهدید مواجه شده و هنگامی که به نهادهای مسئول دولتی گزارش کرده‌اند، با سهل‌انگاری این نهادها مواجه شده‌اند.

طبق این اعلامیه، بیش از ۱۰۰ خبرنگار و عضو نهادهای حامی خبرنگاران از سرتاسر افغانستان روز شنبه هفته‌ی جاری (۶ جدی) در نشستی با شهرزاد اکبر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر، نگرانی‌ها و مشکلات‌شان را مطرح کرده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر گفته است که جامعه خبرنگاری افغانستان در ماه‌های اخیر، تحت فشار روانی شدید قرار داشته و خبرنگاران نگران‌اند که ساحه‌ی کار و زندگی برای

دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری نیز در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که رییس‌جمهور اشرف غنی عضویت محمدانور باشلیق و لیاقت‌الله بابک‌رخیل، دو عضو بازداشت‌شده‌ی مجلس سنا را لغو کرده است.

اعضای شورای ملی کشور بارها به فساد اداری متهم شده‌اند، اما این نخستین بار است که اعضای این شورا به اتهام اخذ رشوه بازداشت می‌شوند.

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
	<p>داخله به تصدی محافظت عامه سپرده شده است.</p> <p>به گفته‌ی صالح، سپردن مسئولیت تأمین امنیت نهادها به تصدی محافظت عامه سبب شده است تا دست کم ۵۰۰ پولیس دوباره به وظایف اصلی‌شان برگردند.</p> <p>این درحالی است که اخیراً گراف ناامنی و ترورهای هدفمند در کابل افزایش یافته است. شهروندان کابل، نهادهای امنیتی را به بی‌توجهی نسبت به تأمین امنیت مردم متهم می‌کنند.</p>	



هجوم اتحاد جماهیر شوروی و رویایی که هرگز تعبیر نشد

محمد‌هادی ابراهیمی

در ششم جدی ۱۳۵۸، اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان حمله کرد. افغانستان برای مدت ده سال تحت اشغال نظامی ارتش سرخ بود و پس از ده سال، اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان عقب‌نشینی کرد. پیامد این تجاوز، کشته‌شدن و زخمی‌شدن میلیون‌ها شهروند افغانستان بود؛ همانطور که پس از خروج نیروهای شوروی نیز افغانستان به پرتگاه جنگ‌های داخلی رفت و کابل، به ویرانه‌ای بازمانده از جنگ تبدیل شد. رهبران اتحاد جماهیر شوروی، اهداف مختلفی را برای حمله به افغانستان در نظر گرفته بودند که البته به آن‌ها دست نیافتند. در این نوشته تلاش شده است تا اهداف اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان تبیین شده و میزان موفقیت شوروی در دسترسی به این اهداف بررسی شود. مدعی نویسنده این است که با توجه به شواهد موجود، میزان موفقیت شوروی در پایین‌ترین حد ممکن بوده و حمله به افغانستان، هرگز باعث سود مهم برای شوروی نشده است.

«از همین اکنون می‌توان گفت که در افغانستان، یک رژیم کمونیستی ثابت و خودمختار روی کار نخواهد آمد» این کلمات را اولیور روه، افغانستان‌شناس فرانسوی، در سال‌های ۱۹۸۴ نوشته است، پنج سال پس از حمله اتحاد جماهیر شوروی و زمانی که هنوز ارتش سرخ در افغانستان حضور نظامی دارد. روه با خوبی به یکی از اشتباهات استراتژیک رهبران شوروی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که روی کارآمدن رژیم کمونیستی، با توجه به ساختار اجتماعی افغانستان، ناممکن است. پیش‌بینی روه پنج

سال بعد با خروج نیروهای شوروی و پس از آن سقوط دولت داکتر نجیب، به واقعیت بدل می‌شود. پیش‌بینی روه هر چه باشد، از یک حقیقت مهم حکایت می‌کند و آن هم این‌که رهبران اتحاد جماهیر شوروی، در حمله به افغانستان دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند و اهدافی را در افغانستان تعیین کرده‌اند که قابل دسترسی نیست، مطمئناً که شوروی از حمله به افغانستان اهداف متعددی داشته است که یکی از آن‌ها گسترش ایدئولوژی کمونیسم یا همان (صدور انقلاب اکثبر) بود که این هدف به واقعیت بدل نشد. نه‌تنها این هدف که اهداف دیگر شوروی هم در حد روبا باقی ماند. در ادامه به اهداف دیگر شوروی اشاره می‌شود.

• رقابت با بلوک غرب و ایدئولوژی سرمایه‌داری: مهم‌ترین چارچوبی که برای تحلیل اقدامات شوروی سابق به کار برده می‌شود، چارچوب رقابت دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ سرد است. در سال‌های جنگ سرد، آنچه سیاست خارجی کشورهای مختلف را تبیین می‌کرد، رقابت دو بلوک شرق و غرب بود، لذا حمله شوروی به افغانستان نیز با همین چارچوب تبیین می‌شود، شوروی به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود بود، رهبران شوروی فکر می‌کردند که باید (انقلاب بلشویکی اکثبر) را به جهان گسترش بدهند، لذا از احزاب کمونیستی در سرتاسر جهان حمایت می‌کردند. با توجه به این‌که در سال‌های ۱۹۷۹ حزب خلق بر روی کار بود، و از سویی خطراتی از ناحیهی اسلام‌گرایان این حزب را تهدید می‌کرد، لذا رهبران اتحاد جماهیر شوروی تصمیم گرفتند که برای حمایت از رژیم کمونیستی حاکم، به

افغانستان حمله کرده و به‌عنوان حامی ارتش این کشور عمل کنند.

• هراس از نزدیک‌شدن حفیظ‌الله امین به امریکا: یکی از مواردی که به‌عنوان عامل حمله شوروی به افغانستان شمرده می‌شود، هراسی بود که برای رهبران شوروی مبنی بر نزدیک‌شدن حفیظ‌الله امین، رئیس حکومت وقت افغانستان، به وجود آمده بود. ملاقات‌های پیدا و پنهان امین با سفیر امریکا و همین‌طور رفتارهای خودسرانه‌ی امین، باعث شده بود که این تصور برای شوروی به‌وجود بیاید که امین در پی نزدیکی با رقیب شوروی، یعنی امریکا است. این هراس باعث شد تا در اولین ساعات حمله‌ی شوروی، امین توسط گارد امنیتی‌اش که نیروهای شوروی بودند کشته شده و ببرک کارمل، به‌عنوان رئیس دولت معرفی شود. این اتهام به امین، در پیامی که در روز ششم جدی از طریق رادیو توسط کارمل خوانده شد نیز محسوس بود، آن‌جا که کارمل، حفیظ‌الله امین را مزدور امپریالیسم غربی معرفی کرد.

• دسترسی به منابع خلیج فارس و اقیانوس هند: یکی از اهدافی که پای اتحاد جماهیر شوروی را به افغانستان کشانید، چشم‌داشت به آب‌های گرم اقیانوس هند و منابع نفتی خلیج فارس بود. شوروی می‌خواست از افغانستان به‌عنوان مسیری برای گذر به سمت پاکستان پس از آن هند، و همین‌طور مسیری برای گذر به سمت ایران استفاده کند. به همین جهت بود که از اولین روزهای حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی، ایران و پاکستان کمر به حمایت از مجاهدین بستند تا شوروی را در خاک افغانستان زمین‌گیر کنند (البته حمایت این دو کشور از مجاهدین دلایل دیگری هم

داشت). لذا دسترسی به این منابع هم جز اهداف اتحاد جماهیر شوروی از حمله به افغانستان بود.

• تقویت حزب مارکسیستی حاکم: یکی از هراس‌هایی که در میان رهبران اتحاد جماهیر شوروی مطرح شده بود، تضعیف و سقوط جمهوری دموکراتیک خلق و روی کارآمدن رژیم اسلامی بود. مجاهدین اسلامی هر روز به بسیج نیرو در روستاها می‌پرداختند و با تبلیغات خود پیشروی می‌کردند. از سویی اختلافات درون‌حزبی میان شاخه‌ی خلق و پرچم موقعیت حکومت را با خطر مواجه کرده بود، این هر دو عامل باعث می‌شد تا دولت وقت افغانستان که متمایل به شوروی و ایدئولوژی مارکسیستی بود، با خطر سقوط مواجه گردد. لذا رهبران اتحاد جماهیر شوروی تصمیم گرفتند برای تقویت موقعیت دولت حاکم، به افغانستان حمله‌ی نظامی کرده و قدرت نظامی دولت را تقویت بخشند.

• منحرف‌کردن افکار عمومی داخلی: یکی از مشکلاتی که شوروی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اقتصاد ضعیف آن بود. اتحاد جماهیر شوروی که نظام اقتصادی‌اش را نظام اقتصاد دولتی تشکیل می‌داد، با مشکلات متعددی در زمینه‌ی رشد اقتصادی و رفاه مواجه شده بود و افکار عمومی رهبران حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دادند. حقیقت این است که اقتصاد دولتی شوروی توانایی تامین نیازهای دولت و جامعه را نداشت، به همین جهت بود که روزبه‌روز گراف رشد اقتصادی شوروی پایین‌تر می‌آمد؛ به گونه‌ای که به باور برخی تاریخ‌نگاران روابط بین‌الملل، اتحاد جماهیر شوروی در طول سال‌های جنگ سرد، کشوری قدرتمند و نه‌چندان ثروتمند بود. این مسأله باعث شد تا رهبران اتحاد جماهیر شوروی برای منحرف‌کردن افکار عمومی به سمت دشمن خارجی، تصمیم حمله به افغانستان را بگیرند.

• هراس از نفوذ ایران پسا انقلاب در افغانستان: نزدیک به یک سال پیش از حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، در همسایگی غربی این کشور، انقلاب اسلامی ایران رخ داده بود و از سویی انقلابیون ایران، به فکر (صدور انقلاب) و صدور ایدئولوژی اسلام سیاسی‌شان بودند. این عامل باعث شد تا اتحاد جماهیر

۶

یکی از مشکلاتی که شوروی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اقتصاد ضعیف آن بود. اتحاد جماهیر شوروی که نظام اقتصادی‌اش را نظام اقتصاد دولتی تشکیل می‌داد، با مشکلات متعددی در زمینه‌ی رشد اقتصادی و رفاه مواجه شده بود و افکار عمومی رهبران حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دادند.

شوروی برای جلوگیری از نفوذ ایران، به افغانستان حمله کرده و نفوذ خود بر این کشور را تحکیم ببخشد.

• هراس از نزدیکی چین به امریکا: چین در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ استراتژی‌های مختلفی در عرصه‌ی سیاست خارجی در نظر گرفت. از رهاشدن از وابستگی به شوروی گرفته، تا رفتن به سمت اتکای به خود و پس از آن انزوایی و سپس تنوع جهت‌گیری، این تغییرات سریع در سیاست خارجی چین، احتمال نزدیکی این کشور را به بلوک غرب و امریکا افزایش می‌داد، لذا رهبران شوروی برای داشتن نفوذ بیشتر بر چین و جلوگیری از نزدیکی این کشور به امریکا، تصمیم گرفتند تا به افغانستان حمله کنند.

گرچند عوامل دیگری نیز برای حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان مطرح شده است، اما بی‌گمان موارد ذکرشده از مهم‌ترین اهدافی است که رهبران شوروی برای حمله به افغانستان در نظر گرفته بودند. اما اتحاد جماهیر شوروی در برآورده‌کردن اهداف خود ناکام ماند. این حمله نه‌تنها به سود شوروی تمام نشد، بلکه با گیرماندن این کشور در منجلاب افغانستان و یک جنگ نامنظم، زیانی بزرگ بر اقتصاد شوروی و همین‌طور وجهه و پرستیژ بین‌المللی آن وارد کرد. حمله به افغانستان چنان ضربه‌ای به اتحاد جماهیر شوروی وارد کرد که در فروپاشی آن، نقشی مهم داشت. شوروی با حمله به افغانستان، نتوانست در رقابت با امریکا برنده شود، بلکه این امریکا بود که با حمایت از مجاهدین و جنگ‌جویان چریکی، ارتش سرخ را در افغانستان زمین‌گیر کرد. همین‌طور شوروی به‌دلیل شکست‌های خود در افغانستان، نتوانست بر کل این جغرافیا مسلط شده و به سمت پاکستان و یا ایران برود، به همین دلیل هم نتوانست بر چین نفوذ پیدا کند. از سویی حمله به افغانستان باعث شد تا ایران برای حمایت از مجاهدین مصمم‌تر شده و بتواند توسط مجاهدین، استراتژی صدور انقلاب خود را به گونه‌ی بهتری در بیرون از مرزهای خود عملی کند، قدرت‌مندشدن احزابی که دفترشان در ایران بود، نشانه‌ای از موفقیت ایران در صدور انقلاب تلقی می‌شود. همین‌طور نتوانست افکار عمومی داخلی را منحرف کند، بلکه به‌دلیل حمله به افغانستان و مصارف هنگفت، بر مشکلات اقتصادی جامعه افزود و میزان نارضایتی از دولت افزایش یافت. همچنان اتحاد جماهیر شوروی نتوانست باعث تقویت حزب حاکم شود، نه‌تنها باعث تقویت نشد، بلکه با حمله‌ی خود به‌عنوان نیروی اشغالی، بر اراده‌ی مخالفان و مجاهدین افزود و در نتیجه، باعث سقوط جمهوری دموکراتیک شد. تنها امری که شوروی در آن موفقیت نسبی‌ای داشت، کشتن حفیظ‌الله امین و منتقل‌کردن قدرت به جناح پرچم بود، که این موفقیت هم در درازمدت به سود شوروی تمام نشد. باری، حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، دو بازنده‌ی قطعی داشت، یکی مردم افغانستان و دیگری اتحاد جماهیر شوروی.



تعداد کارمندان زن در وزارت‌ها به ۴۰ درصد نمی‌رسد.

۶. با امرالله صالح کل کل نکنید

می‌دانید که آقای صالح، معاون اول رئیس‌جمهور، شدیداً در حال جنگ با تروریست‌هاست. بگذارید کار خود را بکنند. اگر ناراحتش کنید، یک دفعه عصبانی می‌شود (چه زود هم عصبانی می‌شود) و دیگر جلو تروریست‌ها را نمی‌گیرد. آن وقت چه کار می‌کنید؟

رهنمودهای وزارت داخله برای شهروندان نگران

سخنپدید هاتف
طنزنویس

سرانجام وزارت داخله‌ی کشور پس از صبر بسیار (که بیاید پدر پیر فلک را) به این نتیجه رسید که ترور شهروندان در این حد غیرقابل‌قبول است. یک حد دیگر هست که آن هم قابل قبول نیست، اما می‌شود درباره‌اش با طالبان مذاکره کرد. ولی در این حد که حال است، به هیچ وجه. براساس گزارش‌ها، مقامات وزارت داخله به شهروندان نگرانی که به آن وزارت مراجعه کرده‌اند گفته است که برای مدتی تلویزیون ملوژیون و سازمان مازمان خود را –هرچه باشد– تعطیل کنند. استدلال کرده‌اند که دولت دستش زیر سنگ است و هم‌زمان نمی‌تواند به موج دوم کرونا و موج سوم طالبان رسیدگی کند.

وزارت داخله پس از مشوره با متخصصان یک‌تابعیته و تأیید افغان‌های دوتابعیته‌ی مقیم وزارت، رهنمود امنیتی ذیل را برای شهروندان کشور تهیه کرده است:

۱. در خانه بمانید

چنان که می‌دانید تروریست‌د بیروناس. اکثر افرادی که ترور شده‌اند در سرک و دفتر و موتر ترور شده‌اند. خودتان را در خانه قرنطینه کنید تا در امان بمانید. اگر شب یا روزی افراد مسلح به زور وارد خانه‌ی‌تان شدند، نگران نشوید. آنان دزد هستند و نه تروریست. لطفاً در برابر دزدان رفتار ناشایست از خود نشان ندهید، چون ممکن است عصبانی شوند و همان کاری را بکنند که تروریست‌ها می‌کنند.

۲. موترتان را وازلین چرب کنید

اگر موتر شخصی دارید و با آن این طرف و آن طرف می‌روید، حتماً به یاد داشته باشید که اخیراً تروریست‌ها از ماین چسپکی زیاد استفاده می‌کنند. هر صبح سراپای موترتان را وازلین چرب کنید تا ماین چسپکی به آن نچسبید. چربی دنیه‌ی گوسفند نیز تأثیر نیکویی دارد.

۳. صدقه بدهید

هر هفته مقداری پول را از بودجه‌ی خانوادگی‌تان کنار بگذارید و آن را به فقرا و

مساکین صدقه بدهید. در صحیح منقل (غیر از صحیح بخاری است) آمده که صدقه هفتاد رقم تهدید امنیتی را دفع می‌کند. در ضمن برای نرم کردن روده‌ها نیز مفید است. اگر بودجه‌ی خانواده‌ی‌تان از قبل برای چیزهای دیگر تخصیص یافته، از کد ۹۱ (یعنی از پول‌هایی که از همسران مخفی نگه داشته‌اید) صدقه بدهید.

۴. با تروریستان مذاکره کنید

مذاکره معجزه می‌کند. از تجربه می‌گوییم. یادتان هست که قبلاً مقامات حکومتی و نیروهای خارجی چه قدر زیر تهدید بودند. با تروریست‌ها وارد مذاکره شدند و همه چیز حل شد. حالا مقامات حکومتی نزد طالبان زاری می‌کنند که گاه‌گاهی ما را تهدید کنید، در خبرها بباییم. طالبان می‌خندند و می‌گویند نه، چند ماه است با هم در قطر آب و نمک می‌خوریم. کور نمی‌شویم که شما برای ما ودکا بخرید و به ما ساعت‌های سی و پنج هزار دلاری تحفه بدهید و ما سر شما حمله کنیم؟

نزدیک به دو دهه پس از کنفرانس بُن، افغانستان در یک نقطه عطف و تاریخی قرار گرفته است و بار دیگر فرصت مناسبی فراهم شده تا زمامداران کشور با بررسی اشتباهات گذشته این بار نقشه‌ی راه آینده را آگاهانه ترسیم کنند. دور دوم گفت‌وگوهای صلح بین نمایندگان طالبان و دولت افغانستان به‌زودی در قطر آغاز می‌شود و یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این دور مذاکرات نوع نظام آینده خواهد بود. جنگ افغانستان ریشه‌ها و عوامل گوناگونی دارد و با توجه به ابعاد پیچیده‌ی آن نمی‌توان به آمدن یک صلح پایدار خیلی خوش‌بین بود. بحران مشروعیت دولت، فساد اداری و سیاسی، تقسیم ناعادلانه‌ی قدرت و ناکارایی دستگاه حاکمیت قانون اما از عوامل اصلی آن به‌شمار می‌روند. پرسش اصلی این است که نوعیت نظام و ساختار متمرکز آن تا چه حدی در ایجاد این وضعیت نقش دارد؟ آیا تعدیل قانون اساسی و انتخاب یک نظام پارلمانی می‌تواند بخشی از راه حل برای آوردن ثبات و تأمین منافع گروه‌های مختلف از جمله طالبان باشد؟ با تکیه بر یک چارچوب نظری و یافته‌های علمی، این موضوع در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دموکراسی که به معنای حکومت مردم یا همان مردمسالاری تعریف می‌شود، مدرن‌ترین شیوه‌ی حکومتداری است و در نقطه‌ی مقابل نظام‌های شاهی، خودکامه یا دیکتاتوری قرار می‌گیرد. در نظام‌های مردم‌سالار، دولت مشروعیت خود را از اراده‌ی مردم کسب می‌کند، وظیفه‌اش تأمین امنیت و ارائه خدمات به شهروندان است و همیشه در برابر ملت طبق قانون پاسخگوست. کثرت‌گرایی، آزادی بیان و عقیده، آزادی رسانه‌ها، احترام به ارزش‌های حقوق بشری و وجود جامعه‌ی مدنی از بارزترین مؤلفه‌های یک حکومت مردم‌سالار است. اما استقرار دموکراسی در کشورهای جنگ‌زده و کشورهایی که از منظر فرهنگی، زبانی، مذهبی یا قومی ناهمگون و چندپارانه‌د، کار دشواری است. نظریه‌پردازان حوزه‌ی سیاست نسخه‌ی ویژه‌ای از نظام دموکراسی را برای چنین کشورها تجویز می‌کنند. نظریه‌ی دموکراسی توافقی (consociational democracy) یکی از معروف‌ترین آن‌هاست. طبق این نظریه، دموکراسی اکثریتی در کشورهای ناهمگون کارایی ندارد. به همین دلیل، قدرت‌دولت باید به شکل تناسبی در بین اقوام و گروه‌های مختلف در یک کشور تقسیم شود.

آرند لایبهارت از پیشگامان این نظریه معتقد است که مدل دموکراسی توافقی بهترین راه حل برای برقراری و نهادینه‌کردن نظام مردم‌سالاری در کشورهای چندقومی و جوامع چندپاراه است. استدلال وی این‌ست که دموکراسی در این کشورها زمانی پایدار می‌شود که همه گروه‌های قومی در ساختار قدرت حضور داشته باشند و بتوانند یک حکومت ایتلافی تشکیل بدهند. برای رسیدن به این هدف، او یک نظام پارلمانی با سیستم انتخاباتی «نمایندگی تناسبی» را پیشنهاد می‌کند و چهار مکانیزم را برای تقسیم قدرت مناسب می‌داند:

- تشکیل یک حکومت ایتلافی که در برگیرنده‌ی همه گروه‌های قومی باشد؛
- اختصاص کرسی‌های پارلمان و مناصب دولتی با رعایت تناسب گروه‌های قومی؛
- دادن حق خودمختاری برای گروه‌های مختلف از طریق برقراری یک نظام فدرالیزم یا هر مکانیزم دیگری که تمرکززا باشد؛
- توانایی گروه‌های کوچک یا اقلیت‌ها برای وتوکردن برخی از تصمیم کلیدی مربوط به خودشان.

لایبهارت سپس به سه اصل محوری در مورد استقرار دموکراسی در جوامع دارای شکاف‌های قومی اشاره می‌کند: نخست، تقریباً همه‌ی کارشناسان امور سیاسی می‌پذیرند که تحکیم دموکراسی در کشورهای چندقومی در مقایسه با کشورهای دیگر خیلی دشوارتر است؛ دوم، کشورهایی که هنوز تجربه‌ی نظام مردم‌سالاری را نداشته‌اند نسبت به کشورهای دموکراتیک با چالش‌ها و شکاف‌های بیشتری مواجه می‌شوند؛ سوم، استقرار موفقانه‌ی نظام‌های مردم‌سالار در کشورهای چندقومی به تحقق دو شرط کلیدی بستگی دارد: تقسیم قدرت و خودمختاری. خودمختاری یعنی این‌که هر قوم یا گروه باید این صلاحیت را داشته باشد تا امور داخلی خود را به‌ویژه در بخش‌های فرهنگی و آموزشی خودش اداره کند. نمونه‌های دموکراسی توافقی در کشورهای اتریش، بلجیم، بوسنی، آیرلند شمالی، آفریقای جنوبی، کانادا، کلمبیا، قبرس، هند، لبنان، مالیزیا، هالند و سوئیس تجربه شده

یک گروه از مردم در یک تجمع در کابل، افغانستان



افغانستان و دوراهی انتخاب:

دوام نظام ریاستی یا روی‌آوردن به نظام پارلمانی؟

عادل بزدانفر

یک گروه از مردم در یک تجمع در کابل، افغانستان

نظام‌های پارلمانی این کاستی وجود ندارد، زیرا پارلمان می‌تواند با دادن رأی اعتماد به کابینه یا برگزاری انتخابات زود هنگام مشکل را حل کند. در واقع، تفاوت اساسی بین این دو نظام درجه‌ی تراکم قدرت یا انعطاف‌پذیری‌شان در پروسه‌های سیاسی است. بر خلاف نظام ریاستی، روح نظام پارلمانی بازتر و منعطف‌تر است و با این ویژگی خود زمینه را برای مشارکت طیف گسترده‌ای از گروه‌ها، احزاب و بازیگران در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مساعد می‌سازد. امروزه برخی از بزرگ‌ترین دموکراسی‌های جهان همچون بریتانیا، کانادا، آلمان، ایتالیا، هند، استرالیا و جاپان دارای نظام پارلمانی هستند. ناگفته نباید گذاشت که احزاب سیاسی در شکل‌دهی و تقویت دموکراسی‌های پارلمانی نقش مهمی را بازی می‌کنند. هر حزب در حقیقت نماینده‌ی بخشی از گرایش‌های فکری و هویتی در یک جامعه به‌شمار می‌رود. وجود احزاب فعال و قدرتمند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام پارلمانی است. معمولاً احزاب شهروندان را در جریان کارزارهای انتخاباتی به سهم‌گیری در رویدادهای سیاسی ترغیب می‌کنند، برنامه‌های سیاسی‌شان را از طریق رسانه‌ها به مردم معرفی می‌کنند و آگاهی شهروندان را در مورد حقوق و وظایف سیاسی‌شان افزایش می‌دهند.

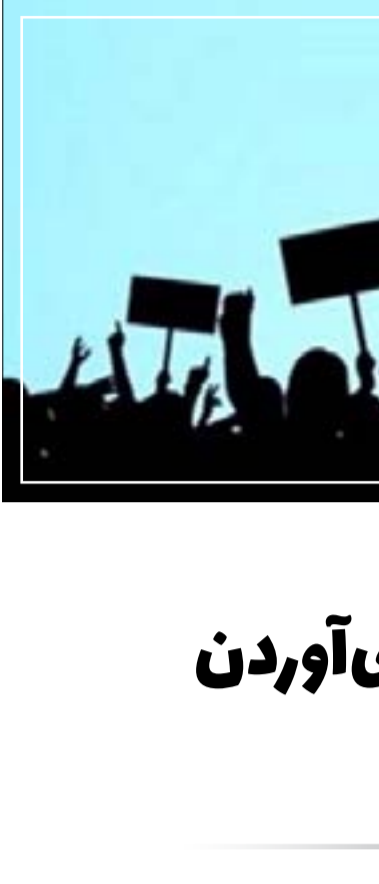
دمو کراسی توافقی، نظام پارلمانی و قضیه‌ی افغانستان

دو دهه پیش هم‌زمان با سرنگونی رژیم طالبان، افغانستان در کانون توجه جامعه‌ی جهانی قرار گرفته بود. این تحول فرصت بی‌نظیری را برای ایجاد یک نظام کارا و مردمی رقم زد. کنفرانس تاریخی بُن با مشارکت چهار دسته (جبهه‌ی شمال، گروه قبرس، گروه پشاور و گروه روم) برگزار شد و با امضای توافقنامه‌ی بُن در دسامبر ۲۰۰۱ یک نظام نو پایه‌ریزی شد. به قول سیمونسن (Simonsen, ۲۰۰۴)، شرکت‌کنندگان کنفرانس بُن به‌طور غیررسمی یک ساختار هرم‌گونه را برای دولت آینده در نظر گرفتند تا اقوام این کشور بتوانند با رعایت سلسله‌مراتب در نظام جدید سهم داشته باشند. چند سال بعد در هنگام نوشتن پیش‌نویس برای قانون اساسی ۲۰۰۴، ناظرین و کارشناسان زیادی با توجه به ماهیت چندقومی و متکثر افغانستان، نظام پارلمانی را پیشنهاد کردند. اما برخلاف این توصیه‌ها، اعضای لویه جرگه یک نظام ریاستی را انتخاب کردند که از جمله اختیارات بی‌شماری را به رییس‌جمهور می‌دهد. طرفداران نظام پارلمانی به دلایل گوناگونی چون بی‌برنامگی، چندپارچگی و فشار از سوی حامیان نظام ریاستی –به‌ویژه زلمی خلیل‌زاد، حامد کرزی و تیم وی—از رسیدن به هدف خود ناکام ماندند.

طبق قانون اساسی، رییس‌جمهور به تنهایی از صلاحیت‌های گسترده‌ای برخوردار است. ماده ۶۰ قانون اساسی افغانستان چنین صراحت دارد: «رییس‌جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های اجراییه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می‌کند.» فقط

تحلیل

یک گروه از مردم در یک تجمع در کابل، افغانستان



کافی است به صلاحیت‌های رییس‌جمهور در ماده‌ی ۶۴ قانون اساسی نگاهی بیندازیم تا پی ببریم که این نظام ریاستی چقدر با اصل مشارکت شهروندان و روح دموکراسی بیگانه است. به عبارتی ساده‌تر، این نظام جمهوری تفاوت کمی با یک نظام شاهی مشروطه دارد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در گزارشی با عنوان «تفکیک قوا در افغانستان: نظریه و عمل» می‌نگارد که قانون اساسی ۲۰۰۴ با متمرکزساختن قدرت در نزد قوه‌ی مجریه و رییس‌جمهور عملاً اصل توازن قوا را نقض کرده و سبب کاهش اقتدار قوه‌های مقننه و قضائیه شده است. صلاحیت رییس‌جمهور در نصب و عزل قضات دادگاه‌ها نیز گواهی بر عدم استقلال قوه‌ی قضائیه به‌عنوان یک رکن مهم نظام‌های دموکراتیک می‌باشد. در عمل نیز قوه‌ی قضائیه در شماری از قضایای مهم (مثلاً اعتبار تمدید چارچوب زمانی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۹ یا جنجال بر سر دادگاه ویژه انتخابات) جانب حکومت را گرفته است.

همچنین، پژوهشگران در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در گزارشی با عنوان «راه دشوار مردم‌سالاری در افغانستان» تأیید می‌کنند که این نظام ریاستی متمرکز برای جامعه‌ی چندقومی افغانستان مناسب نیست و نمی‌تواند مشارکت همه‌ی اقوام و اقشار را تضمین کند. تجارب به‌دست‌آمده از چند انتخابات پیشین (۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهند که این نظام متمرکز ریاستی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر افغانستان فاقد کارایی است. حتا ساختار حکومت وحدت ملی و حکومت کنونی با نهادهای و سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی همخوانی ندارد. ساختار حقوقی این نظام ریاستی نتوانسته است راهکارهای موثری را برای حل بحران‌های سیاسی به‌ویژه بحران‌های انتخاباتی ارائه کند. اگر فشارهای بین‌المللی و توافقنامه‌های تقسیم قدرت نمی‌بودند، تنش‌ها و جدال‌های انتخاباتی می‌توانستند کشور را در بحران‌های عمیق‌تر و خطرناک‌تر فرو ببرند. به همین ترتیب، مشارکت اندک مردم در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری سرخوردگی و بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به کارایی نظام ریاستی را به نمایش می‌گذارد. بر بنیاد یک نظرسنجی که در سال ۱۳۹۵ توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در ۱۰ ولایت کشور انجام شده، در حدود ۵۱ درصد اشتراک‌کنندگان خواستار تغییر نظام ریاستی بوده‌اند. با استناد به همه‌ی این شواهد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این نظام و ساختار متمرکز آن سودمند نبوده است و برعکس منجر به افزایش فساد اداری، دیوان‌سالاری، تراکم قدرت در نزد رییس‌جمهور، تشدید شکاف‌ها و اختلافات قومی، ناراضیاتی شهروندان از کارکرد دولت و در نتیجه سبب تقویت گروه‌های شورشگر و مخالفان نظام شده است.

موضوع دیگر نقش و جایگاه احزاب در فضای سیاسی و اجتماعی افغانستان است. به باور توماس روتتینگ (۲۰۰۶) افغانستان‌شناس آلمانی، بیشتر احزاب در افغانستان شباهتی به احزاب مدرن در کشورهای توسعه‌یافته ندارند.

www.etilaatroz.com

یک گروه از مردم در یک تجمع در کابل، افغانستان

یکی از مهم‌ترین ویژگی آن‌ها رهبرمحوری یا فردمحوری‌شان است و شمار کمی از آن‌ها برای تعیین پست‌های رهبری خود انتخابات برگزار می‌کنند. در گفتمان‌های سیاسی نیز بیشتر این احزاب از نداشتن برنامه و راهکارهای مدون رنج می‌برند. طرفداران نظام ریاستی نیز استدلال می‌کنند که تقویت احزاب در افغانستان با توجه به ترکیب قومی‌شان برای وحدت افغانستان خطرآفرین است و هرگونه تلاش برای تقویت آن‌ها منجر به ایجاد جزیره‌های قدرت می‌شود. یکی از بارزترین چهره‌های این اردوگاه حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان است. او بارها در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهایش با رسانه‌ها به این موضوع اشاره کرده است (مثلاً در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی در اکتبر ۲۰۰۳ و آن جمله‌ی تاریخی‌اش که گفته بود: افغانستان لابراتور یا آزمایشگاه سیاسی بیگانگان نیست). بنابراین، احزاب سیاسی در طی مدت زمامداری وی فرصت مناسبی برای رشد و شکوفایی نداشته است. حکومت وحدت ملی به رهبری آقایان عبدالله و غنی نیز همان رویکرد حکومت قبلی را دنبال کرده است. مثلاً سرور دانش، معاون دوم آقای غنی در تاریخ ۳۰ اسد ۱۳۹۶ در همایشی برای بررسی قانون اساسی در کابل مخالفت خود را با نظام پارلمانی اعلام کرده بود و استدلالش این بود که نظام پارلمانی کامل در این کشور قابل اجرا نیست، زیرا «باعث بی ثباتی و منازعات سیاسی می‌شود.» یکی از دلایل وی این بود که در افغانستان هنوز «احزاب سیاسی ملی نیرومند و با پایگاه‌های وسیع و تثبیت‌شده» وجود ندارد و در وضعیت کنونی با حضور احزاب که هنوز قومی است، اجرای نظام پارلمانی «باعث نوعی انحصار گروهی و قومی» قدرت می‌شوند. گرچه بر بنیاد توافقنامه‌ی حکومت وحدت ملی باید پست ریاست اجراییه از طریق یک لویه جرگه و تعدیل قانون اساسی به پست نخست‌وزیری تبدیل می‌شد، اما آقای عبدالله نتوانست به این وعده‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشاند.

چگونگی سیستم رای و کاستی‌های نظام انتخابات را نیز باید از همین زاویه تحلیل کرد. با آن‌که کارشناسان سیستم نمایندگی تناسبی (PR) یا سیستم تک‌رای قابل انتقال (STV) را برای مشارکت احزاب سیاسی در پارلمان مناسب‌تر می‌دانند، اما نظام انتخابات افغانستان از سیستم تک‌رای غیرقابل انتقال (SNTV) استفاده می‌کند. این سیستم نامزدان را به اتخاذ خط‌مشی‌های فردی تشویق می‌کند و سهم‌گیری یا حضور احزاب سیاسی را محدود می‌کند. به‌عنوان نمونه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ فقط ۳۲ تن (یعنی ۱٫۲ درصد کل نامزدان) تعلق حزبی داشته‌اند. دو پژوهشگر بنام‌های رانولدر و کارای (Reynolds and Carey) نظام انتخابات افغانستان را مورد کنکاش قرار داده و در گزارش خویش چنین نتیجه‌گیری می‌کنند: نظام انتخاباتی «تک‌رای غیرقابل انتقال» مانعی برای شکوفایی دموکراسی نوپای افغانستان است، زیرا این سیستم اجازه نمی‌دهد که احزاب رشد کرده و حضورشان را در پارلمان نهادینه کنند. سایر نظام‌های دموکراسی به‌ندرت از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند و افغانستان تنها کشور بزرگ در جهان است که هنوز ازین سیستم متروک برای انتخابات پارلمانی کار می‌گیرد. به باور آن‌ها انتخاب این سیستم شاید یک استراتژی برای تضعیف احزاب و جلوگیری از ظهور یک اپوزیسیون قوی در پارلمان بوده است. این دو کارشناس سپس هشدار می‌دهند که اگر سیستم کنونی تغییر نکند، پارلمان افغانستان بدون شک در آینده با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد. یافته‌های یک پژوهش که سیستم‌های انتخاباتی افغانستان را شبیه‌سازی کرده، نیز جالب توجه است. این یافته‌ها در گزارشی از سازمان دموکراسی بین‌المللی در سال ۲۰۱۲ به نشر رسیده و نشان می‌دهد که اگر نظام انتخاباتی کنونی به سیستم «نمایندگی تناسبی» تبدیل شود، میزان حضور اقوام و گروه‌های کوچک‌تر در مجلس نمایندگان به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

تلاش‌های متعددی که تا کنون در راستای اصلاح نظام انتخاباتی پارلمان صورت گرفته است، بی‌نتیجه بوده است. به گونه‌ی مثال، ایتلافی از ۳۴ حزب سیاسی در ماه جنوری ۲۰۰۵ به دولت افغانستان پیشنهاد کرد تا برای انتخابات پارلمانی، نظام انتخاباتی «نمایندگی تناسبی» را به کار گیرد. اما این درخواست مورد استقبال رییس‌جمهور کرزی قرار نگرفت و پس از تأخیر زیاد در نهایت شورای وزیران سیستم انتخاباتی «تک‌رای غیر قابل انتقال» را تصویب کرد. در آن زمان شمار زیادی از ناظرین داخلی

گزارش

جداگانه ریشه‌های اصلی مشکلات حقوق بشری را فراهم می‌کند.

اجرای توافق‌نامه بدون خلع سلاح ناممکن است

در کامبوج پس از جنگ و امضای توافق‌نامه صلح، فقدان سربازی به‌عنوان یک مسئولیت، خلع سلاح و ادغام مجدد یک مشکل اساسی در اجرایی شدن توافق‌نامه صلح پاریس بود. نیروهای سابق جمهوری خلق کامبوج به رهبری نخست‌وزیر هون سن هرگز خلع سلاح نشدند و نیروهای مقاومت غیرکمونستی پشتیبانی نظامی غربی خود را از دست دادند. برعلاوه، وقتی خمرهای سرخ از توافق‌نامه صلح پاریس خارج شد، درگیری را تا اواخر دهه ۱۹۹۰ ادامه داد.

اهمیت تمرکز بر ایجاد نهادهای قانون‌گذاری

سیستم حقوقی کامبوج توسط خمرهای سرخ و جنگ داخلی نابود شد. پس از امضای توافق‌نامه صلح پاریس، پشتیبانی سیاسی و فنی گسترده‌ای برای آموزش حقوقی و ایجاد پولیس حرفه‌ای، دادسرا، سیستم دفاعی، دادگاه‌ها و سیستم‌های اصلاحی مورد نیاز بود. جامعه بین‌المللی کمک قابل ملاحظه‌ای به کامبوج ارائه داد اما قوه قضاییه در این کشور هرگز به‌طور کامل مستقل نشد. این امر عمدتاً به دلیل عدم اراده سیاسی دولت تحت کنترل حزب خلق کامبوج بود. فقدان دادگستری بی‌طرف، سوءاستفاده از قدرت توسط دولت را در بسیاری از زمینه‌ها، به‌ویژه در مورد آزادی بیان، حقوق و آزادی‌های سیاسی و انتخابات آزاد امکان‌پذیر کرده است.

کنگره ایالات متحده می‌توانست به اجرای توافق‌نامه‌های صلح کمک کند. علاقه‌مندی و فشار کنگره، دولت ایالات متحده را متقاعد کرد که اراده سیاسی خود را برای دستیابی به توافق صلح دشوار در کامبوج سرمایه‌گذاری کند. تعداد زیادی از سناتورها، نمایندگان و کارمندان کنگره درگیر در جنگ ویتنام و متعهد به رسیدگی به عواقب آن در جنگ کامبوج بودند. حمایت کنگره در تأمین بودجه مأموریت حفظ صلح سازمان ملل متحد که به‌دنبال اجرای توافق‌نامه صلح پاریس بود و بودجه کمک‌های ایالات متحده که برای بازسازی کشور انجام شد، ضروری بود.

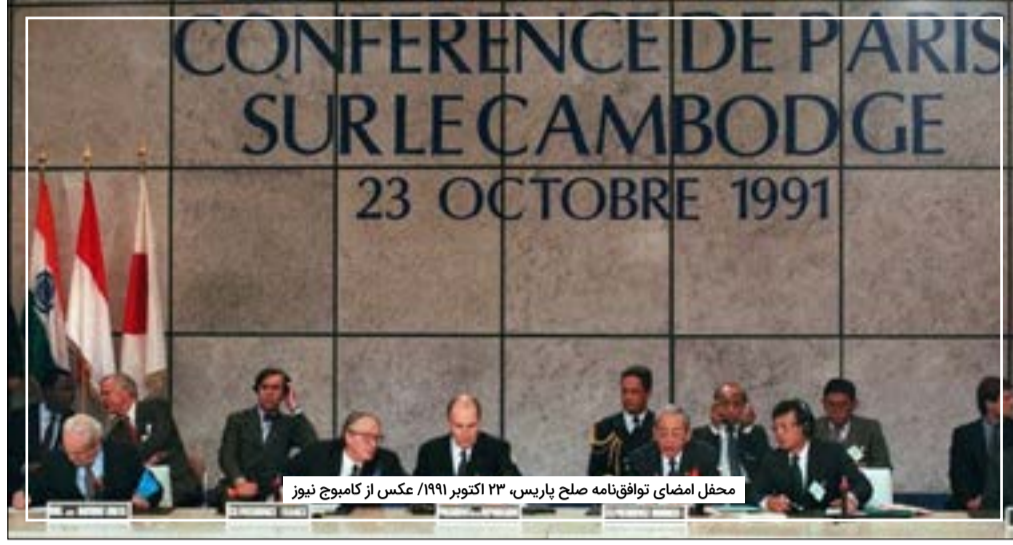
اجرای عدالت انتقالی الزامی است

پس از امضای هر توافق‌نامه صلح اگر عدالت انتقالی به حاشیه برود، درگیری‌ها ممکن است دوباره اوج بگیرد. به‌رغم شواهد آشکار از جنایات خمرهای سرخ، فشار خمرهای سرخ و حامی آن - چین -، مسئولیت کفیری برای جرایم خمرهای سرخ را از توافق‌نامه صلح پاریس حذف کرد.

رهبران غربی تمایلی به طرح بحث در مورد اتهامات متقابل مربوط به بمب‌گذاری‌های ایالات متحده در کامبوج، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نداشتند. این حذف زمینه را برای مصونیت از مجازات جنایات سیاسی و نقض حقوق بشر فراهم کرد. تا سال ۲۰۰۷ دادگاهی از قضات سازمان ملل و کامبوج، محاکمه رهبران سابق خمرهای سرخ را به جرم جنایت علیه بشریت آغاز نکرد.

با این حال، پرونده کامبوج به‌هنگامی بین‌المللی فعلی کمک کرد که توافق‌نامه‌های صلح نباید شامل بندهای عفو برای جرایم بزرگ باشد و باید نیازهای عدالت انتقالی را برطرف کند. «تون‌ساری»، رییس انجمن حقوق بشر و توسعه کامبوج و فعال حقوق بشر گفته بود که اگر تمویل‌کنندگان بر حفظ حقوق بشر تمرکز کرده و بر کاهش سنت مصونیت از مجازات تأکید می‌کردند، تعهدات توافق‌نامه صلح پاریس و مرجع انتقالی سازمان ملل در کامبوج می‌توانست بهتر عملی شود.

به گفته آقای ساری در مواجهه با کاهش فضای سیاسی، بازیگران جامعه مدنی به حمایت از تمویل‌کنندگان نیاز دارند. هدف توافق‌نامه صلح پاریس بازگرداندن صلح در منطقه بود، اما هیچ میکانیسم اجرایی مستمری فراتر از کمیسیون حقوق بشر و گزارش‌گر ویژه کامبوج در دسترس نبود. از آنجا که توافق‌نامه صلح پاریس تاریخ شروع داشت اما تاریخ پایان ندارد، می‌توان آن را هم برای کامبوج و هم برای جامعه بین‌المللی در حال اجرا دانست، به این معنی که امضاکنندگان توافق‌نامه تعهد دارند همچنان درگیر بمانند.



محفل امضای توافق‌نامه صلح پاریس، ۲۳ اکتوبر ۱۹۹۱ / عکس از کامبوج نیوز

درس‌هایی از روند صلح کامبوج

فاطمه فرامرز

گزارشگر

روند صلح کامبوج که با میانجی‌گری سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ به امضای توافق‌نامه‌ی صلح پاریس منجر شد، به‌طور موثر به ۱۴ سال درگیری مسلحانه بین کامبوج و ویتنام پایان داد و زمینه را برای تعیین سرنوشت مردم از طریق اولین انتخابات در سال ۱۹۹۳ فراهم کرد.

در دسامبر ۲۰۱۶ انستیتوت صلح ایالات متحده به‌مناسبت بیست و پنجمین سالگرد توافق‌نامه صلح پاریس میزبان کنفرانسی برای بررسی اجرای توافق‌نامه صلح پاریس و چگونگی تصمیم‌های اتخاذشده در افزایش ناآرامی‌ها در آن کشور بود که بازیگران اصلی توافق‌نامه صلح پاریس و همچنین جامعه حقوق بشر کامبوج در این کنفرانس حضور داشتند.

جنگ در ویتنام در اپریل ۱۹۷۵ پایان یافت اما در کامبوج انقلابی‌های «خمرهای سرخ» زمام امور را به‌دست گرفتند و تا جنوری ۱۹۷۹ حکومت کردند. در آن زمان بیش از ۱٫۷ میلیون نفر بر اثر گرسنگی، کار زیاد، عدم مراقبت‌های بهداشتی جان دادند. در دسامبر ۱۹۷۸ ارتش ویتنام با یک گروه از خمرهای سرخ کامبوج سابق که در طول جنگ ویتنام به ویتنام رفته بودند، وارد کامبوج شد. جنگ داخلی کامبوج در امتداد مرز تایلند و کامبوج بین چهار جناح آغاز شد.

در این جنگ، جمهوری خلق کامبوج تحت حمایت ویتنام به رهبری نخست‌وزیر هون سن در برابر خمرهای سرخ و مقاومت غیرکمونستی به رهبری سیهانوک، پادشاه سابق کامبوج و جمهوری‌خواهان به رهبری سن سان آغاز شد. با طولانی شدن درگیری، هر یک از طرف‌ها توسط بازیگران خارجی که درگیر اختلافات جنگ سرد بودند، پشتیبانی می‌شدند.

توافق‌نامه ۱۹۹۱ صلح پاریس در یک زمان خاص تلاقی ژئوپلیتیک منعقد شد: جنگ سرد پایان یافته بود؛ قدرت‌های بزرگ بین‌المللی، قدرت‌های منطقه‌ای و احزاب کامبوج همه به بن‌بست رسیده بودند و همه مایل به پایان‌یافتن درگیری بودند؛ جاپان به‌دنبال کرسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین نقش فزاینده‌ای در منطقه بود؛ اتحاد جماهیر شوروی در حال فروپاشی بود و نیروهای مسلح و نمایندگان آن کامبوج را ترک می‌کردند. وظیفه پیچیده مذاکره‌کننده اصلی آمریکا زیر نظر ریچارد سالومان، معاون وزیر امور آسیا و شرق آسیا، ترغیب پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حمایت از توافق صلح سازمان ملل و مشتریان کامبوجی آن‌ها بود.

بازیگران مهم دیگر مانند کلود مارتین فرانسوی، علی آلیناس اندونزیایی و گرت ایوانز استرالیایی نیز نقش‌های مهمی داشتند. سفیر مارک استورلا، عضو سابق هیأت نمایندگی ایالات متحده در توافق‌نامه صلح پاریس و بعدها معاون رییس مأموریت در کامبوج در کنفرانس انستیتوت صلح ایالات متحده یادآور شد که هر یک از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد از یکی از چهار جناح کامبوج حمایت کرده و مشتریان خود را برای توافق دعوت می‌کردند.

اجرای توافق‌نامه صلح پاریس

توافق‌نامه صلح پاریس پس از امضا، اولین مأموریت بزرگ صلح‌آمیز سازمان ملل متحد را برای دوران پس از جنگ سرد ایجاد کرد. مرجع انتقالی سازمان ملل در کامبوج (UNTAC) که شامل تقریباً ۱۶ هزار پرسونل نظامی و پنج‌هزار غیرنظامی بود، مسئولیت کلی تأمین صلح و ارتقای حقوق بشر را بر عهده داشت. برعلاوه، این مرجع قرار بود تا زمان تصویب قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات ملی وظایف رسمی حاکمیت موقت را بر عهده بگیرد. مرجع انتقالی سازمان ملل در کامبوج به‌دلیل موفقیت در بازگرداندن ۳۶۰ هزار پناهنده و برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه که نزدیک به ۹۰ درصد مردم رأی دادند، بسیار مورد ستایش قرار گرفت.

حزب سلطنتی کامبوج که به‌عنوان جنبشی مقاومت در برابر دولت حاکم آغاز به کار کرد، با کسب ۴۸ درصد آرا برنده‌ی اکثریت شد. اما حزب خلق کامبوج تهدید کرد که در صورت عدم تقسیم مساویانه قدرت و دولت، از روند جدا شده و

و بین‌المللی نگرانی خویش را از به‌کارگیری این سیستم در انتخابات پارلمانی ابراز کرده بودند. در یک مورد دیگر، شورای همکاری احزاب سیاسی و نهادهای جامعه مدنی در سال ۲۰۱۳ طرحی را برای اصلاح نظام انتخاباتی به پارلمان ارائه کردند. یکی از خواسته‌های مندرج در این طرح افزودن یک حکم تازه در قانون انتخابات مبنی بر استفاده از یک سیستم مختلط بود. این پیشنهاد نیز از سوی پارلمان رد شد و به‌نظر می‌رسد که این اقدام نمایندگان وقت پارلمان با ترس از دست‌دادن کرسی‌های‌شان در انتخابات بعدی پیوند داشته است. نهادهای غیردولتی نیز در این زمینه تلاش‌های مشابهی به خرج داده‌اند. مثلاً یک نظرسنجی انجام‌شده توسط بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه‌ی افغانستان نشان می‌دهد که ۶۰ درصد نمایندگان مجلس خواستار تغییر نظام انتخاباتی به روشی‌اند که زمینه را برای تقویت و حضور احزاب فراهم کند. همچنین، این نهاد در گزارشی که در حمل سال ۱۳۹۵ منتشر کرده، توضیح می‌دهد که در سیستم «تک رأی غیرقابل انتقال» اکثریت آرای رای‌دهندگان به هدر می‌رود، چنانچه اعضای وقت ولسی جرگه فقط ۳۸ درصد رای مردم را به‌دست آورده بودند. این گزارش در فرجام تأکید می‌کند: «نظام انتخاباتی باید طوری تغییر کند تا باعث سهم‌گیری و رشد احزاب سیاسی شود و نقش موثر احزاب سیاسی را در سیستم دولتی افغانستان مساعد کند.»

افغانستان هم یک کشور جنگ‌زده و هم چندپاره (چندقومی، چندزبانی و چندمذهبی) است. هویت قومی و قوم‌گرایی در فضای اجتماعی و سیاسی افغانستان یک واقعیت انکارناپذیر است و رویدادهای تاریخی در چند دهه‌ی پسین تأیید می‌کند که نقش رهبران، نخبگان و احزاب قومی را نمی‌توان نادیده گرفت. پس افغانستان هم می‌تواند با تکیه بر مدل دموکراسی توافقی نوع مناسبی از دموکراسی را تجربه کند. احزاب و گروه‌های سیاسی باید این فرصت را داشته باشند تا در چارچوب قانون و فعالانه در روند حکومتمداری سهم بگیرند. گذاشتن هر نوع مانعی به سر راه مشارکت احزاب در این فرایند دموکراتیک سبب جلوگیری از رشد یک نظام مردم‌سالار در افغانستان می‌شود. طالبان هم باید این واقعیت را بپذیرند که امروز هیچ گروهی نمی‌تواند به تنهایی و با توسل به زور اعمال حاکمیت کند. پس بهتر است آن‌ها از مجرای یک برنامه و حزب سیاسی در ساختن یک نظام مردم‌سالار مشارکت کنند. با داشتن نظام پارلمانی، هزینه‌های هنگفت ناشی از روند انتخابات نیز کاهش می‌یابد، زیرا دیگر نیازی به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری نیست. این امر برای کشور فقیری چون افغانستان که کاملاً به کمک مالی از سوی کشورهای خارجی وابسته است، اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که یادآوری شد، مشکل اصلی در نظام کنونی تمرکزگرایی آن است و بدون تمرکززدایی در سطوح افقی و عمودی، مشارکت عادلانه‌ی شهروندان و اقوام در ساختار قدرت ممکن نیست. گرچه قانون اساسی براساس ماده‌ی ۱۵۰ شرایط سختی را برای تعدیل خود در نظر گرفته است، اما هیچ قانونی نمی‌تواند به‌طور مطلق انعطاف‌ناپذیر باشد. قانون فقط ابزاری برای تنظیم روابط انسان‌ها و بهبود زندگی آن‌هاست و باید همگام با شرایط و نیازهای یک جامعه قابل تغییر باشد. تعدیل قانون اساسی می‌تواند به گونه‌ای باشد که در سطح افقی نظام پارلمانی را جایگزین نظام ریاستی کند و در سطح عمودی نیز با دادن صلاحیت‌های مالی و اجرائی بیشتر به نهادهای محلی و انتخابی ساختن پست‌های رهبری در سطح ولایات و ولسوالی‌ها، از تمرکزگرایی مفرط بکاهد.

با توجه به بافت ناهمگون اجتماعی و قومی افغانستان، نظام متمرکز ریاستی نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات و بحران در این جامعه‌ی متکثر باشد و نظام پارلمانی گزینه بهتری برای آوردن ثبات، رفاه و نهادهایسازی مردم‌سالاری در این کشور است. در غیر آن، دور باطل جنگ و خشونت در این کشور ادامه خواهد یافت. دوام بحران و خشونت نیز آتشی است که مثل همیشه دود آن به چشم همه‌ی اقوام و شهروندان کشور می‌رود. به‌دلیل پایین‌بودن سطح سواد و آگاهی مردم و مخالفت بخشی از نخبگان سیاسی که منافع‌شان را در گرو دوام همین نظام می‌بینند، مهم‌ترین کار روشن کردن اذهان عمومی برای سهم‌شدن در این روند است. انجام این کار مهم و پرچالش اما نیازمند تلاش پی‌گیر از سوی روشنفکران، نمایندگان مردم، جامعه مدنی، فعالان رسانه‌ای و عدالت‌خواهان اجتماعی است.



نخست‌وزیر هون سن (راست) شاهزاده نورودوم سیهانوک (چپ) پس از امضای توافق‌نامه صلح پاریس / عکس از خمر تایمز

ترمپ مصوبه کمک‌های مالی همه‌گیری ویروس کرونا را امضا کرد



اطلاعات روز: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده مصوبه ۹۰۰ میلیارد دلاری کمک‌های اقتصادی برای مقابله با تبعات همه‌گیری ویروس کرونا را امضا کرده است. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، خبر امضای این مصوبه ساعتی

پس از آن اعلام شد که آقای ترامپ در توییتر به مردم آمریکا وعده داد که به زودی اخبار خوبی را درباره قانون کمک‌های مالی دریافت خواهند کرد. دو قانون مربوط به اعطای کمک‌های مالی برای مقابله با تبعات اقتصادی همه‌گیری ویروس کرونا که در ماه مارس تصویب شده بودند، شنبه منقضی شدند و به خاطر عدم امضای مصوبه جدید که دوشنبه گذشته تصویب شد، حقوق بیکاری ۱۲ میلیون آمریکایی به طور موقت قطع شد. یکی از علت‌های مخالفت آقای ترامپ با مصوبه کنگره این بود که او خواهان افزایش کمک پرداختی به شهروندان از ۶۰۰ دلار تصویب شده به ۲۰۰۰ دلار بود. این کمک مالی شامل افرادی است که درآمد سالانه آنها از ۷۵۰۰۰ دلار کمتر است.

جمهوری خواهان کنگره با این درخواست مخالفت کرده بودند.

او همچنین بر کاهش میزان کمک‌های خارجی هم تأکید کرده بود که این خواسته با مخالفت دموکرات‌ها مواجه شد.

در پی امضای این مصوبه، آقای ترامپ در بیانیه‌ای گفت که مجلس سنا قرار است افزایش پرداخت به شهروندان را به ۲۰۰۰ دلار را به رای بگذارد و تحقیقات درباره تقلب در انتخابات را آغاز کند.

نانسی پلوسی، رییس دموکرات مجلس نمایندگان در بیانیه‌ای با استقبال از اقدام آقای ترامپ، از او و جمهوری خواهان کنگره خواست با دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان برای تصویب طرح پرداخت کمک ۲۰۰۰ دلاری به شهروندان همکاری کنند.

به گفته خانم پلوسی، طرح پرداخت این کمک به عنوان یک قانون مجزا روز دوشنبه به مجلس نمایندگان عرضه خواهد شد.

جو بایدن، رییس‌جمهوری منتخب آمریکا روز گذشته درباره تبعات ویرانگر عدم امضای مصوبه کنگره به وسیله آقای ترامپ هشدار داده بود.

خودداری آقای ترامپ از امضای مصوبه مالی کنگره که علاوه بر مصوبه ۹۰۰ میلیارد دلاری کمک‌های مالی شامل

اختصاص یک تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار برای هزینه‌های جاری دولت بود، بخش‌هایی از دولت آمریکا را از روز سه شنبه در معرض تعطیلی قرار داده بود.

دونالد ترامپ هفته گذشته بودجه دفاعی ۷۴۰ میلیارد دلاری کنگره را هم وتو کرد.

آقای ترامپ پیشتر هشدار داده بود اگر این مصوبه با لغو قانون موسوم به ماده ۲۳۰ همراه نباشد، آن را وتو خواهد کرد.

ماده ۲۳۰ به شبکه‌های اجتماعی در برابر مطالب منتشر شده کاربران مصونیت می‌دهد.

کنگره قرار است قانون بودجه دفاعی را هم دوباره در دستور کار قرار دهد.

آقای ترامپ همچنین با تغییر نام پایگاه‌های نظامی که به نام فرماندهان ارتش جنوب در جنگ داخلی آمریکا نامگذاری شده‌اند، مخالفت کرده است.

برای لغو وتوی آقای ترامپ به رای دو سوم نمایندگان هر دو مجلس کنگره آمریکا نیاز است.

محکومیت شهروند خبرنگار چینی به چهار سال زندان به خاطر گزارش شیوع کرونا در ووهان

اطلاعات روز: ژانگ ژان شهروند خبرنگار چینی که گزارش‌هایی از نخستین مراحل شیوع کرونا در ووهان مخبره کرده بود، به چهار سال زندان محکوم شده است. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، ژانگ ژان متهم به «دست‌چین و برجسته کردن معضلات و دامن زدن به مشکلات» است، اتهامی که اغلب علیه فعالان در چین بکار برده می‌شود.

خانم ژان بهار امسال بازداشت شد و چند ماه است که در اعتصاب به سر می‌برد. وکلای خانم ژانگ ژان

می‌گویند او از وضعیت جسمی خوبی برخوردار نیست. او ۳۷ سال سن دارد و قبلاً وکیل بود. خانم ژانگ اولین شهروند-خبرنگاری نیست که پس از گزارش کردن شیوع ویروس از شهر ووهان به دردرس افتاده است. در چین رسانه آزاد وجود ندارد. دولت عمدتاً فعالان سیاسی و کسانی که پاسخ دولت به شیوع کرونا را زیر سوال ببرند، تحت فشار قرار می‌دهد.

حداقل سه شهروند خبرنگار در ماه فوریه در چین ناپدید شدند. یکی از آنها لی زه‌آو بود، که بعداً در آوریل

دوباره ظاهر شد و گفت که «به قرنطینه رفته بود». بعدها معلوم شد که دومین نفر، شن کیوشی، زیر نظر حکومت بوده است. ولی هنوز از مکان نفر سوم، فنگ بین، اطلاعی در دست نیست.

تحت فشار گذاشتن فعالان یکی از روش‌های شناخته شده حکومت چین است.

از زمان شیوع ویروس کرونا در شهر ووهان تا کنون، رسانه‌های دولتی و وابسته به دولت چین تلاش کرده‌اند که در منشأ آن تشکیک کنند و تقصیر را گردن

دیگران بیندازند.

در یک سالی که از شیوع ویروس کرونا در شهر ووهان می‌گذرد، رسانه‌های دولتی و وابسته به دولت چین تلاش کرده‌اند که در منشأ آن تشکیک کنند و تقصیر را گردن دیگران بیندازند.

نحوه برخورد چین با شیوع کووید-۱۹ و اطلاعاتی که در ابتدای کار در این زمینه منتشر کرده بود مورد انتقاد سنگین ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی قرار گرفته است.

میلیارد چینی صنعت بازی و سرگرمی به علت مسمومیت درگذشت

خالصش معادل ۱.۳ میلیارد دلار ارزیابی می‌شد. بسیاری از کارمندان سابق و فعلی شرکت او، برای ادای احترام به آقای لین چی روز مقابل ساختمان شرکت او جمع شدند.

لین چی کی بود؟

لین چی تاجری بود که ستاره بازار پرسود بازی‌های چین به شمار می‌آمد. شرکت او اخیراً به صنعت تولید فیلم نیز ورود پیدا کرده بود. یکی از سریال‌های این شرکت به تازگی با همکاری نتفلیکس پخش شده بود. او در سال ۲۰۰۹ شرکت را تأسیس کرد و هدایت این شرکت را در دوره‌ای پیشبرد که بازی‌های کامپیوتری در گوشی‌های دستی تغییرات زیادی را از سر گذراند. او علاقه ویژه‌ای به کالیگرافی و شعر داشت. رسانه‌های محلی گمانه‌زنی‌هایی را منتشر کردند که آقای لین از طریق چای کهنه که نوشیدنی تخمیر شده چینی است، مسموم شده. بنابر این گمانه‌زنی‌ها، فرد بازداشت شده نیز احتمالاً مدیر بازی تولید فیلم شرکن یوزوست.



اطلاعات روز: پولیس شانگهای اعلام کرد که یک سرمایه‌دار چینی در روز کریسمس به علت مسمومیت درگذشت.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، لین چی ۳۹ ساله، رییس هیات مدیره و مدیر اجرایی یوز (YOZZO) شرکت مشهور ساخت بازی‌های کامپیوتری بود. «بازی تاج و تخت: زمستان در راه است» یکی از تولیدات مشهور این شرکت بود. پولیس شانگهای در بیانیه خود از یکی از همکاران آقای لین - که فقط به نام خانوادگی‌اش اشاره شده - به عنوان مظنون اصلی یاد کرده است. او یکی از افراد ثروتمند چین به شمار می‌آمد و دارایی

پارلمان ترکیه لایحه تشدید نظارت بر گروه‌های جامعه مدنی را تصویب کرد

اطلاعات روز: پارلمان ترکیه روز یکشنبه هفتم جدی لایحه‌ای را به تصویب رساند که به دولت این کشور اجازه می‌دهد نظارت خود بر گروه‌های جامعه مدنی را تشدید کند.

در همین حال، گروه‌های مدافع حقوق بشر نسبت به عواقب تصویب چنین لایحه‌ای که آزادی انجمن‌ها و تشکل‌های مستقل را تهدید خواهد کرد، هشدار داده‌اند.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، تصویب این ماده در مورد انجمن‌ها و بنیادهای ترکیه در لایحه «جلوگیری از تأمین مالی سلاح‌های کشتار جمعی»



گنجانده شده است.

به نقل از رادیو فردا، با استناد به این ماده قانونی، دولت ترکیه اجازه خواهد یافت به بازرسی سالانه از سازمان‌های غیر دولتی بپردازد که ظاهراً با هدف «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» انجام می‌گیرد.

به علاوه، این قانون به وزارت کشور ترکیه اجازه می‌دهد که در صورت لزوم در مورد عضویت افراد در انجمن‌ها تصمیم‌گیری کند.

بر همین اساس، چنانچه بازرسی‌ها به محرز شدن اتهام‌های مرتبط با تروریسم منجر شود، دولت اختیار دارد تا با توسل به حکم دادگاه از ادامه فعالیت‌های انجمن یا تشکل مورد نظرش جلوگیری کند.

این قانون همچنین به دولت ترکیه اجازه خواهد داد تا کارزارهای جمع‌آوری اعانه و کمک مالی در فضای مجازی را به دریافت مجوز قانونی منوط کند.

این لایحه که از سوی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری ترکیه، به پارلمان ترکیه ارائه شده بود، با رای اعضای حزب حاکم و متحدان ملی‌گرای آن‌ها به تصویب رسید.

حسن نصرالله:

موشک‌های نقطه‌زن خود را ظرف یک‌سال دوبرابر کردیم

اطلاعات روز: رهبر گروه حزب الله لبنان می‌گوید که در حال حاضر دو برابر یک‌سال گذشته موشک نقطه‌زن داریم و تلاش اسرائیل برای متوقف کردن دستیابی به این موشک‌ها شکست خورده است.

به گزارش رادیو فردا، حسن نصرالله شامگاه یکشنبه هفتم جدی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی المیادین گفت که حزب‌الله لبنان این قابلیت را دارد تا هر نقطه‌ای از خاک اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطینی را هدف قرار دهد. او افزود وقتی اسرائیل از طریق یک مقام آمریکایی هشدار داد که تاسیسات حزب‌الله در دره بقاع را هدف قرار می‌دهد، حزب‌الله نیز هشدار می‌دهد که هر حمله‌ای

را تلافی خواهد کرد.

اسرائیل در ماه‌های اخیر ابراز نگرانی کرده که گروه حزب‌الله در صدد است تاسیسات تولید موشک‌های نقطه‌زن را احداث کند.

حسن نصرالله در مصاحبه چهار ساعته‌اش با المیادین گفت: موضوعات بسیار زیادی درباره گروه تحت فرماندهی او وجود دارد که اسرائیل هیچ اطلاعی از آن‌ها ندارد زیرا در «حلقه‌های بسیار محدود» مخفی مانده است. دبیرکل حزب‌الله لبنان تصریح کرد در مدت زمان باقی‌مانده از زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا باید با هشیاری و احتیاط رفتار کرد. او آقای ترامپ را

فردی «عصبانی» و «مجنون» خطاب کرد.

حزب‌الله از گروه‌های نیابتی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و دشمن قسم‌خورده اسرائیل است که تاکنون چند بار با هم رویارویی نظامی داشته‌اند. آخرین این رویارویی‌ها به تابستان سال ۱۳۸۵ باز می‌گردد.

حسن نصرالله در اظهاراتش گفت که ایران و متحدانش انتقام خون قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، و ایومهدی المهندس، معاون حشد الشعبی عراق، را خواهند گرفت که ۱۳ جدی پارسال در جریان حمله پهپادی ارتش آمریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد

کشته شدند.

او در حالی که تصویری از قاسم سلیمانی سمت چپش قرار گرفته بود، گفت: «پاسخ ترور سلیمانی و المهندس، مسئله امروز و فرداست. خون‌شان روی زمین نمی‌ماند». دبیرکل حزب‌الله لبنان همچنین روی انتقام خون یکی از اعضای این گروه در حمله اوایل سال جاری اسرائیل به سوریه تأکید کرد.

نصرالله درباره دولت جو بایدن که قرار است بیستم ژانویه در آمریکا سر کار آید، گفت ایران به نمایندگی از متحدانش با درباره منازعات در منطقه با آمریکا مذاکره نخواهد کرد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه‌آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

خبرهای کوتاه

عصبانیت مورییو:
بازیکنان تاتنهام
جاهطلب نیستند

ژوزه مورییو سرمربی تاتنهام بعد از تساوی ۱-۱ مقابل ولوز بازیکنانش را به نداشتن جاهطلبی متهم کرد. تاتنهام که یکشنبه شب به خانه ولوز رفته بود با اینکه با گل دقیقه ۱ تانگوی اندومبله از حریف پیش افتاد ولی چهار دقیقه مانده به پایان بازی دروازه اش را باز شده دید تا در نهایت از این بازی موفق به کسب یک امتیاز شود. ژوزه مورییو در پایان بازی اصلا از عملکرد شاگردانش راضی نبود و آنها را متهم به نداشتن جاهطلبی کرد. تاتنهامی‌ها در این فصل ۹ امتیاز را با دریافت گلهایی در ۱۰ دقیقه پایانی از دست داده اند و به نظر می رسد این شرایط باعث عصبانیت مورییو از بازیکنانش شده است. مورییو در پایان بازی به خبرنگاران گفت: «از نتیجه عصبانی هستم. ما کنترل بازی را در اختیار داشتیم و ۸۹ دقیقه فرصت داشتیم که گلهای بیشتری بزینم ولی نزدیم. مساله فقط گل نزدن نیست. مساله این است که ما خطرناک هم نبودیم. ما در این بازی اصلا جاهطلب نبودیم و مشکل اینجا است.»

سرمربی تاتنهام در ادامه در پاسخ به پرسشی درباره ضعف تاتنهام در تهاجم گفت: «فقط من می دانم که تیمم را چطور آماده می کنم و از بازیکنانم چه می خواهم. فقط من می دانم که بین دو نیمه به بازیکنانم چه گفتم. تنها چیزی که به آنها گفتم این بود که تیم اصلا حمله نمی کند. من البته تلاش ولوز را بی ارزش نمی کنم ولی ما واقعا اشتیاق و جاهطلبی برای زدن گلهای بیشتر را نداشتیم.»

ناراضیاتی
پسرطلابی منچسترسیتی
از نیمکت نشینی

فیل فودن از نیمکت نشینی در منچسترسیتی ابراز ناراضیاتی کرد. به نقل از دیلی میرور، فیل فودن استعداد برتر تیم ملی انگلیس و منچسترسیتی با وجود بازیکنان خوب زیاد در تیمش نیمکت نشین است. او عقیده دارد که باید زمان بیشتری در ترکیب تیمش به میدان برود و در صورتی که شرایط برای او تغییر کند تیم خود را تغییر خواهد داد. مدیربرنامه های فیل فودن نیز با تایید ناراحتی این بازیکن عنوان کرد با توجه به در پیش بودن یورو ۲۰۲۰ که تابستان پیش رو برگزار می شود، فیل فودن می خواهد همراه تیم ملی انگلیس در این رقابت ها به میدان برود و در صورتی که او نتواند جایگاهی در ترکیب ثابت منچسترسیتی داشته باشد، احتمالا در زمستان با قراردادی قرضی راهی یک تیم دیگر می شود. باشگاه منچسترسیتی بعد از تمدید قرارداد پپ گواردیولا در صدد تمدید ستاره های خود است و گفته می شود کوین دی بروین اولین بازیکنی است که آمادگی خود را برای تمدید قرارداد با منچسترسیتی اعلام کرده است.

پیکه خداحافظی کرده و در انتخابات بارسا شرکت می کند
غافلگیرکننده: دوست مسی رئیس بارسلونا می شود؟

موندو دپورتیوو اعلام کرد جرارد پیکه تصمیم گرفته از فوتبال خداحافظی کرده و نامزد انتخابات ریاست باشگاه بارسلونا شود.

روزنامه کاتالان موندو دپورتیوو در خبری غافلگیرکننده اعلام کرد جرارد پیکه ستاره بارسلونا تصمیم گرفته از فوتبال خداحافظی کرده و با نامزد شدن در انتخابات ریاست باشگاه بارسا شانس خود را برای بدست گرفتن مدیریت باشگاه بیازماید.

موندو دپورتیوو می گوید جرارد پیکه ۳۴ساله تصمیم گرفته دست به اقدامی بزرگ بزند. او که با مصدومیت شدید از ناحیه زانو مواجه شده نتوانسته از پزشکان تضمین بگیرد که در صورت جراحی نشدن می تواند سلامتش را کاملا بدست بیاورد و مثل گذشته در میداين حضور یابد. او به همین علت تصمیمی بزرگ گرفته و قصد دارد با خداحافظی از فوتبال نامزد انتخابات ریاست باشگاه بارسلونا شود. پیکه مایل به جراحی شدن نیست و معتقد است بارسا با حضور رونالدو اروخو و اریک گارسیا جانشین مناسبی

برای او دارد. در نتیجه پیکه به این نتیجه رسیده که در این شرایط دشوار، زمان مناسبی است که خود را برای بدست گرفتن مدیریت باشگاهی که دوست دارد آماده کند.

موندو می گوید پیکه از ستاد انتخابات باشگاه درخواست ۶۵هزار بره رای کرده و قصد دارد در روزهای آتی این تعداد امضا را از اعضای باشگاه بگیرد تا رسماً بتواند نامزدی اش را برای انتخابات اعلام کند. پیکه حتی با کارلس توسکنس رئیس موقت باشگاه در این باره صحبت کرده

است. این روزنامه می گوید پیکه بعد از شکست ۸-۲ مقابل بایرن مونیخ تصمیم گرفته بود که نامزد انتخاب ریاست باشگاه شود و فوتبال را کنار بگذارد اما رونالد کومان او را متقاعد کرده بود که به بازی کردن ادامه دهد. اما جرارد حالا به این نتیجه رسیده که زمان مناسب برای اجرایی کردن تصمیمش فرا رسیده است.

موندو دپورتیوو می گوید پیکه برای دیگر نامزدهای انتخابات ریاست باشگاه از جمله

آرتا:

شرایط آرسنال تلخ است ولی می جنگیم

روز ۱ نوامبر نتوانسته بودند در لیگ برتر حتی یک پیروزی بدست بیاورند. آرتا در آستانه بازی امروز تیمش مقابل برایتون می گوید شرایط آرسنال در این فصل سخت ترین آزمون بوده که او به عنوان مربی تجربه کرده است.

آرتا در این باره گفت: «ما در چند هفته اخیر از نظر نتیجه وضعیت خیلی بدی داشتیم و من در این مدت خیلی سختی کشیدم. احساس می کنم مسئولیت این شرایط به عهده من است. این حس خیلی بدی است چرا که می خواهم برای این باشگاه مفید باشم و کاری انجام بدهم و با تمام شور و شوق و دانشم و با نیت و قصد بهبود شرایط

میکل آرتا با وجود پیروزی شیرین تیمش مقابل چلسی می گوید آرسنال از نظر عملکردی شرایطی تلخ و عصبانی کننده دارد.

آرسنال روز شنبه در دربی شهر لندن موفق شد چلسی را ۳-۱ شکست دهد تا از بار فشارها بر سرمربی اش میکل آرتا کاسته شود. اما آرتا با وجود این پیروزی شیرین به شرایط بسیار بد تیمش در این فصل لیگ برتر اشاره کرده و می گوید تیمش از نظر فوتبالی شرایطی تلخ و عصبانی کننده دارد.

با وجود پیروزی ۳-۱ مقابل چلسی در روز کریسمس توپچی ها پیش از آن از



برگردیم. من کسانی را می بینم که می خواهند در کنار من برای این هدف بجنگند.»

برای این هدف تلاش می کنم.» سرمربی آرسنال در ادامه گفت: «ولی ما برای رسیدن به این هدف باید در بازیها پیروز بشویم. باید ثبات داشته باشیم و روند پیروزی در چند بازی پیاپی را تجربه کنیم. وقتی این اتفاق نمی افتد من احساس می کنم که مسئول تخریب باشگاه هستم و به خاطر همه کسانی که در آرسنال کار می کنند و البته برای هواداران ناراحت می شوم. این شرایط واقعا سخت و دردناک و عصبانی کننده است و از آدم انرژی زیادی می گیرد. ولی در عین حال من می دانم که چطور باید بجنگیم و به شرایط خوب

رونالدو: دلم برای هو شدن کریستیانو هم تنگ شده
حرفهای احساس برانگیز کریستیانو در دوی

فوتبال هستم و عشق زندگی ام همیشه فوتبال بوده. من به خاطر خانواده ام، فرزندانم، دوستانم و هوادارها بازی می کنم. ولی واقعیت این است که از این شرایط خوشم نمی آید. شرایط خیلی عجیب و غریبی است.»

کریستیانو در ادامه صحبت های خود گفت: «من وقتی مردم کریستیانو را هو می کنند هم خوشم می آید. وقتی به محض اینکه پیام به توپ می خورد صدای هو کردن بلند می شود، حتی این را هم دوست دارم. امیدوارم در سال ۲۰۲۱ بتوانند قوانین را تغییر بدهند و یک بار دیگر شاهد استادیومهای پر از تماشاچی باشیم.»

رونالدو که در مراسم گلوب ساکر در امارات به عنوان بازیکن قرن بیست و یکم انتخاب شده در ادامه صحبت هایش

بهترین بازیکن قرن جوایز گلوب ساکر در دویی در صحبت هایی به عدم حضور تماشاچیان در استادیومها اشاره کرد و گفت دلش برای روزهای حضور هواداران در ورزشگاه ها تنگ شده و فوتبال بدون تماشاچی را حوصله سر بر می داند. رونالدو همچنین گفت چه وقتی هایی که تماشاچی ها تشویقش می کنند و حتی زمانی که توسط آنها هو می شود از حضورشان لذت می برد.

رونالدو بعد از دریافت جایزه اش گفت: «اگر بخوام صادق باشم بازی کردن در استادیوم خالی برایم واقعا حوصله سر بر است. البته اینکه ما فوتبالیستها به همه پروتکل های بهداشتی و سلامت خودمان اهمیت بدهیم فوق العاده مهم است ولی راستش را بخواید من از این وضعیت خوشم نمی آید. من در وهله اول عاشق



کریستیانو رونالدو بعد از دریافت جایزه گلوب ساکر گفت دلتنگ حضور تماشاچیان در استادیوم است و حتی دلش برای وقتی که در ورزشگاهها هو می شد، تنگ شده است.

کریستیانو رونالدو که بعد از دریافت جایزه

«اعلان داوطلبی»

وزارت امور سرحدات و قبایل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پروسه داوطلبی اعمار دیوار احاطه لیسه پیرمحمد کاکر بابت سال مالی ۱۴۰۰ تحت شماره داوطلبی: MOBTA/1400/NCB/OPT/W002 اشتراک نموده، ضم آفر خویش جواز فعالیت و شرایط اهلیت مندرج شرطنامه را مد نظر گرفته و آفرهای سر بسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه به لسان (دری و یا پشتو) طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه افغانستان از تاریخ نشر اعلان الی (۲۱) روز ارائه نماید.

توزیع شرطنامه و تسلیمی آفرها الی ساعت (۰۹:۳۰) بجه قبل از ظهر (۲۱) یوم بعد از نشر اعلان که آخرین معیاد ضرب الاجل تسلیمی آفرها می باشد صورت میگیرد آفرهای دیر رسیده و انترنتی پذیرفته نمی شود.

تضمین آفر مبلغ (۵۲۰,۰۰۰) پنج صد و بیست هزار افغانی بوده که داوطلبان آنرا به شکل گرنتی بانکی و یا پول نقد در داخل آفرهای سر بسته خویش ارایه بدارند.

داوطلبان واجد شرایط می توانند شرطنامه را به شکل سافت در فلش از آدرس ذیل اخذ نمایند.

آدرس: ناحیه ۹، ریاست تدارکات منزل تحتانی وزارت امور سرحدات و قبایل مکروریان سوم جوار ستره محکمه، کابل افغانستان.

نوت: در صورتیکه تاریخ معین شده برای تسلیمی آفرها به روز رخصتی تصادف نماید آفرها در روز بعدی کاری در همان ساعت تعیین شده تسلیم و باز گشایی خواهند شد



قربانیان جنگ باید طرف سوم مذاکرات صلح باشند

گفت‌وگو با جواد زاولستانی، رییس اجرایی مؤسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان

عباس عارفی

هستند که در ولایات و ولسوالی‌های مختلف در ساحه خود با قربانیان دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. در مرحله بعد نمایندگان شبکه‌های که در زون‌ها ایجاد شده، در کابل گروه دادخواهی و پالیسی قربانیان جنگ را تشکیل داده که در قالب شبکه ملی قربانیان جنگ فعالیت دارند. این گروه دادخواهی و پالیسی قربانیان جنگ در واقع می‌تواند نقطه تماس قربانیان جنگ با طرف‌ها در پروسه صلح باشد. بنابراین هر مسأله‌ای که در زمینه قربانیان جنگ مطرح باشد، این گروه می‌تواند در هر نقطه‌ای افغانستان با قربانیان جنگ در میان بگذارد و مشوره آن‌ها را بگیرد. همچنان دولت و طرف‌های دیگر پروسه صلح را با قربانیان جنگ در هر ولایت که لازم باشد هماهنگ کند.

در رابطه به مشارکت قربانیان جنگ در پروسه صلح از یک نگاه به‌صورت معنادار ما دستاوردهای خوبی داشتیم. اولین دستاورد ما این بود که گفت‌مان صلح افغانستان را تغییر دادیم؛ یعنی قربانیان جنگ در یک سال گذشته تأثیر زیادی بر روند صلح گذاشته است. قبل از این گفت‌مان صلح طوری بود که اگر گروه‌های سیاسی مختلف، احزاب و نخبگان سیاسی قدرتمند و با نفوذ با طالبان به توافق برسند، پروسه صلح به همین نشست چند نماینده نهادهای خلاصه می‌شد. اما زمانی که فعالیت قربانیان جنگ شروع شد، این نگاه مسلط تغییر کرد، این که تأمین صلح پایدار بدون مشارکت معنادار قربانیان ناممکن است.

قربانیان جنگ بخش بزرگ جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند. متأسفانه تاکنون گزارش مستند و دقیق در مورد تعداد قربانیان جنگ وجود ندارد، اما براساس گزارش‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر قربانیان جنگ را پیش از سال ۲۰۰۱م، بیشتر از دو میلیون تخمین زده بود. پس از سال ۲۰۰۹م، وقتی یوناما مستندسازی تلفات افراد ملکی را آغاز کرد، حالا قربانیان مستقیم جنگ یعنی کشته و زخمی بیشتر از ۱۱۰ هزار نفر رسیده است. این آمارها نشان می‌دهد که قربانیان جنگ بخش عظیم جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند که این‌ها را نمی‌شود نادیده گرفت؛ هم به‌دلیل مشروعیت پروسه صلح، یعنی اگر قرار باشد توافق‌نامه‌ی صلحی که صورت می‌گیرد مشروعیت پیدا کند، باید خواسته‌ها، نگرانی‌ها و رضایت قربانیان جنگ را با خود داشته باشد، و هم به‌دلیل کثرت جمعیت قربانیان جنگ.

انتظارات قربانیان جنگ از پروسه صلح افغانستان مشخصاً چیست؟ قربانیان جنگ از این پروسه صلح چه می‌خواهند؟ در قدم نخست خواست قربانیان جنگ مشارکت معنادار در پروسه صلح است. یعنی طرف سوم مذاکرات صلح باید قربانیان جنگ باشند. قربانیان جنگ خواهان برقراری آتش‌بس و قطع جنگ هستند تا از این طریق طرف‌های درگیر جنگ تعهد شان را به مذاکره و در نهایت به صلح نشان دهند.

قربانیان جنگ می‌خواهند که مذاکرات صلح باید زمینه دسترسی قربانیان را به عدالت، حقیقت‌یابی و جبران خسارت برای آن‌ها فراهم کند. حقوق قربانیان باید بخشی مهم از دستور کار مذاکرات صلح باشد. قربانیان می‌خواهند که تشکیل یک نهاد مستقل و تخصصی «حقیقت‌یابی و مستندسازی» در چهارچوب توافق‌نامه نهایی صلح باشد تا در روشن شدن وقایع ناگوار جنگ و خشونت و التیام قربانیان افغانستان کمک کند و زمینه را برای تقویت

مرحله‌ی حساس تاریخ افغانستان شدیداً نیاز است تا بتوانیم قربانیان جنگ را وارد پروسه صلح کنیم و صدای آن‌ها تبدیل به یکی از صداهای اصلی در پروسه صلح شود. هم‌زمان با این فعالیت‌ها «صلح قربانی‌محور» را مطرح کردیم که هدف ما از صلح قربانی‌محور این بود که تمام تلاش‌های صلح باید در راستای التیام زخم‌های جنگ و به‌خصوص التیام دردهای قربانیان جنگ باشد.

اگر دو طرف منازعه نتوانند روی موضوع ختم جنگ و التیام‌بخشیدن زخم‌ها و دردهای که قبل از این بر مردم تحمیل شده، گفت‌وگو کنند، آن وقت پروسه صلح به مسیر واقعی یعنی ایجاد صلح پایدار رهنمون خواهد شد. ما با همین هدف چنین برنامه‌ای را روی دست گرفتیم. البته در گذشته تا این سطح نه، اما تا حدی با قربانیان جنگ کار کرده بودیم. مثلاً شورا‌های قربانیان جنگ ایجاد کرده بودیم، اما سطح دادخواهی آن‌ها و سطح تعامل این شوراها با این شبکه ملی قربانیان فرق می‌کند. ما در شبکه ملی قربانیان خواستار به رسمیت شناخته‌شدن قربانیان جنگ به‌عنوان یکی از طرف‌های مستقل در روند و مذاکرات صلح هستیم؛ یعنی طرف سوم. البته بدون در نظر داشت این که قربانیان از کدام طرف هستند و عامل قربانی‌شدن کدام طرف است. یعنی قربانیان صرف به‌دلیل قربانی‌شدن‌شان در جنگ، در روند صلح نیز شریک سازیم و صدایی این‌ها با همه‌ی تنوع و تکثر شنیده شود.

قربانیان جنگ در افغانستان ناهمگن هستند، یعنی از طرف‌های مختلف زخم خورده‌اند. بنابراین هر قربانی از هر طرفی که زخم خورده همان طرف را دشمن می‌داند. در چنین شرایطی شما چگونه توانستید مجموعه‌ای از قربانیان را زیر یک چتر قرار دهید و شبکه ملی قربانیان جنگ را ایجاد کنید؟

این تفاوت دیدگاه‌ها وجود دارد، اما آنچه کار را آسان می‌کند و باعث می‌شود قربانیان جنگ از هر طرفی کنار هم‌دیگر بنشینند، درد مشترک‌شان است. فرقی نمی‌کند که این درد از سوی نیروهای امریکایی وارد شده، از سوی طالبان یا داعش وارد شده یا از سوی نیروهای امنیتی افغانستان، در هر صورت آن‌ها درد دارند و عزیزان خود را از دست داده‌اند، به همین خاطر قربانیان به راحتی کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرند. استدلال ما این است که درد مشترک همه‌ی مردم افغانستان و به خصوص قربانیان جنگ را از هر طرف نزدیک می‌کند. همین درد مشترک قربانی‌بودن باعث شد که اعضای شبکه را از اقوام و ولایت‌های مختلف کنار هم‌دیگر قرار دهد و خواسته‌های مشخص از طرف‌های درگیر جنگ داشته باشند.

براساس تلاش‌های شما آن تعداد قربانیان جنگ که در قالب شبکه ملی قربانیان جنگ فعالیت دارند، در پروسه صلح تاکنون چقدر نقش داشته و چقدر دخیل شده‌اند؟

هدف ما از این کار مشارکت معنادار قربانیان جنگ در پروسه صلح بود، نه مشارکت سمبولیک. اما در این زمینه چند مشکل وجود داشت. اولین مشکل این بود که چگونه و با چه میکانزم این مشارکت تأمین می‌شود و کی‌ها می‌توانند نمایندگان قربانیان جنگ باشند. به همین دلیل بود که ساختار شبکه‌ای قربانیان جنگ ایجاد شد. در مرحله نخست شبکه‌های قربانیان جنگ در زون‌های مختلف داریم که نمایندگان قربانیان جنگ همان زون و منطقه

شبکه ملی قربانیان جنگ متشکل از اعضای خانواده‌های قربانیان از ۸ حوزه جغرافیایی افغانستان، طی یک همایش ملی در کابل اعلام موجودیت کرد و خواست‌های قربانیان جنگ پیرامون پروسه صلح جاری را مطرح کردند. این شبکه به ابتکار مؤسسه حقوق بشر و دموکراسی افغانستان ایجاد شده است. در گفت‌وگو با جواد زاولستانی، رییس اجرایی این مؤسسه (AHRDO) در رابطه به چگونگی ایجاد این شبکه و خواست‌های قربانیان جنگ در پروسه پرداخته‌ایم.

شبکه ملی قربانیان چگونه ایجاد شد و کدام قربانیان جنگ شامل این شبکه هستند؟

شبکه ملی قربانیان متشکل از نمایندگان قربانیان جنگ از چندین حوزه جغرافیایی یا زون‌های افغانستان است که از سال گذشته تا کنون همراه‌شان کار شده است. هدف این بود که صدای قربانیان جنگ در زمینه پروسه صلح بلند شود. اما این کار در عمل چند مشکل داشت: اول این که قربانیان جنگ هماهنگی، شبکه‌سازی و سازماندهی لازم را نداشتند؛ دوم این که اکثریت قربانیان جنگ بلد نبودند که چگونه موضوع دادخواهی، خواسته‌ها و نگرانی‌های خود را در یک چارچوب مشخص بیان کنند و خواسته‌های خود را بخشی از اجندای مذاکرات صلح بسازند. بنابراین در سه مرحله در ولایت‌های چون هرات برای زون غرب، در قندهار برای زون جنوب غرب، در کابل برای زون پایتخت، در بامیان برای زون مرکزی، در مزار شریف برای زون شمال، در ننگرهار برای زون شرق و در گردیز برای زون جنوب‌شرق به مدت ۱۰ روز برای اعضای شبکه قربانیان برنامه‌های آموزشی برگزار شد.

برنامه آموزشی قربانیان جنگ شامل دو قسمت بود: قسمت اول تجربه کشورهای مختلف بود که با آن‌ها شریک می‌شد؛ تجربه چگونگی مشارکت قربانیان جنگ و جامعه‌ی مدنی در پروسه‌های صلح. قسمت دوم مکانیزم‌های شمولیت قربانیان جنگ در پروسه صلح، مانند پروسه عدالت انتقالی، دادخواهی و کارهای مرتبط با چارچوب عدالت و پاسخگویی که برای این‌ها فهم جرایم بین‌المللی لازم بود. در این قسمت جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و قتل عام درس داده شد تا اعضای شبکه ملی قربانیان بتوانند در مناطق‌شان مصداق‌های این‌گونه جرایم و جنایت‌ها را شناسایی و تفکیک کنند.

کار ما طوری بوده است که اول قربانیان دوره‌های مختلف شناسایی می‌شد. البته در این شبکه قربانیان دوره‌های مختلف شامل است، اما توجه ما بیشتر بر قربانیان جنگ بعد از سال ۲۰۰۱م، از تمام طرف‌ها بوده که در آن قربانیان جرایم و خشونت‌های مربوط به گروه طالبان، داعش، نیروهای هوایی ملی و بین‌المللی شامل می‌شود.

آیا قبل از شما دیگر نهادهای داخلی و بین‌المللی در این زمینه کار کرده است؟

در افغانستان متأسفانه کار جدی در راستای دادخواهی برای قربانیان جنگ نشده است. البته کارهای اندکی شده که بیشتر در حد تعزیه و همدردی با قربانیان جنگ بوده یا در حد گزارش‌های خبری تجربه برخی از خانواده‌های قربانیان بازگو شده، اما تلاش منظم برای ایجاد شبکه، سازماندهی و برقراری رابطه میان قربانیان انجام نشده بود.

از آنجایی که پروسه صلح یک مسأله حیاتی بود، ما احساس کردیم که چنین کاری در چنین



معنادار قربانیان جنگ را نمی‌بینیم. هیچ قربانی جنگ در این ساختارها حضور ندارد. اگر کسانی حضور دارد به نمایندگی از یک گروه سیاسی است، نه قربانیان جنگ.

برای رسیدن به این تعهداتی که داده شده ولی عملی نشده، شبکه ملی قربانیان جنگ چه برنامه‌های را روی دست دارد؟

همان طوری که شاهد بودید همایش ملی قربانیان و تشکیل شبکه ملی قربانیان جنگ در واقع آغاز کار است. این شبکه در واقع گام نخست برای انسجام، هماهنگی و سازماندهی قربانیان جنگ در سطح افغانستان است تا قربانیان در مشوره، هماهنگی و حمایت با هم‌دیگر برای شمولیت معنادار در پروسه صلح فعالیت و دادخواهی‌شان را در همه‌ی ولایت‌های افغانستان ادامه دهند و طرف‌ها ممکن است دولت افغانستان و طالبان باشد و همچنان شرکای بین‌المللی افغانستان که تسهیل‌کنندگان پروسه صلح هستند.

بزرگ‌ترین مشکلی که تاکنون بر سر راه مشارکت قربانیان جنگ وجود دارد این است که در سطح بالا و تصمیم‌گیری سیاسی نقش متحول‌کننده قربانیان جنگ تاکنون اذعان نشده است. بنابراین هیچ از یک تصمیم‌گیرندگان در سطح بالا یا نمی‌دانند یا درک نمی‌کنند که مشارکت قربانیان جنگ می‌تواند نقش متحول‌کننده در پروسه صلح داشته باشد.

یکی از کمیته‌های هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان مربوط به قربانیان جنگ است، شبکه ملی قربانیان جنگ چقدر با این کمیته هماهنگ است؟ و در آخر پیشنهاد شما چیست؟

شبکه ملی قربانیان جنگ با این کمیته به‌طور منظم در تماس است و خواسته‌های قربانیان جنگ همواره با داکتر حبیبه سرابی، رییس این کمیته شریک شده و در چندین جلسه مجازی شرکت داشتیم. اما زمینه‌های ساختاری، ارتباطات و تبادل نظر منظم وجود نداشته است.

ما خواستار ایجاد کمیته‌های اختصاصی قربانیان جنگ در هر دو تیم مذاکره‌کننده و یک کمیته مشترک از هر دو تیم هستیم تا روی خواسته‌های قربانیان جنگ به‌صورت تخصصی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. در اینجا نیاز به کمیته تخصصی رسیدگی به خواسته‌های قربانیان جنگ است تا تمام مسایل به شمول عفو، پوزش و جبران خسارت را نظر به شرایط سیاسی افغانستان و تجربه کشورهای دیگر بحث کنند. در نهایت نتیجه بحث و دریافت‌های شان را با هیأت‌های مذاکره‌کننده شریک سازند و این‌گونه خواست قربانیان جنگ تبدیل به اجندای مذاکرات صلح شود.

پایه‌های اجتماعی صلح در جهت ایجاد یک جامعه عادلانه و انسانی و فارغ از هرگونه خشونت، ستم و تبعیض فراهم سازد.

زمانی که خواسته‌ها و انتظارات قربانیان جنگ در پروسه صلح جدی گرفته شود، باید مسأله عدالت انتقالی نیز مطرح شود. در زیرمجموعه عدالت انتقالی همه‌ی این خواسته‌های قربانیان جای می‌گیرد، با این حال آیا به جریان‌افتادن پروسه عدالت انتقالی هم‌زمان با پروسه صلح ممکن است؟

ما احساس می‌کنیم که هنوز طرف‌های جنگ و برخی از چهره‌های که در هر دو تیم مذاکره‌کننده حضور دارند، روایت قربانیان جنگ را نشنیده‌اند. آن‌ها این فرصت را نداشتند که به‌طور عمیق بر آنچه که بر یک خانواده قربانی جنگ گذشته و چند عضو خانواده‌اش را در مدت چند ساعت از دست داده، تأمل کنند. بنابراین ما تلاش می‌کنیم که این فرصت برای قربانیان جنگ فراهم شود تا بتوانند از نزدیک با طرف‌های مختلف داستان‌ها و روایت‌های‌شان را شریک کنند.

از دید ما صلح بدون اعتراف، بدون عفو که چه کسی را ببخشد و برای چه ببخشد؟ تأمین نمی‌شود. اما در مجموع می‌توان گفت که صلح پایدار نه با اعتراف به جنایت‌های گذشته در تضاد است، نه با پوزش‌خواهی از قربانیان و نه با پروسه عدالت انتقالی. در واقع عدالت انتقالی زمینه‌ی برقراری صلح پایدار را در افغانستان فراهم می‌سازد. در غیر آن شاید یک توافق‌نامه امضا شود، اما جامعه هیچ وقت به صلح نخواهد رسید.

در رابطه به مشارکت قربانیان جنگ در پروسه صلح تاکنون دولت افغانستان در این زمینه چه تعهداتی داده است؟

از طرف دولت افغانستان تعهداتی داده شده و هر خواستی را که از سوی قربانیان جنگ مطرح شده گفته که خواست معقول است و دولت می‌پذیرد و حمایت می‌کند. اما در عمل هیچ اتفاقی نیفتاده است. چنان‌که به قربانیان جنگ تاکنون فرصت داده نشده که در فضای اصلی که مذاکرات صلح جریان دارد، حضور پیدا کنند. هیچ نوع تمهیداتی برای مشارکت قربانیان جنگ در دور بعدی مذاکرات صورت نگرفته تا قربانیان عملاً در مذاکرات حضور پیدا کنند و با هر دو طرف مذاکره‌کننده بنشینند و خواسته‌های‌شان را مطرح کنند.

نکته‌ی دیگری که قربانیان جنگ به‌صورت مکرر بر آن تأکید کرده، این است که قربانیان در تمام نهادها و ساختارهای صلح حضور معنادار داشته باشند. یعنی در شورای عالی مصالحه ملی و در وزارت دولت در امور صلح هیچ نوع مشارکت